

روز

کارگران همه کشورها متحد شوید!

ازگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اول اسفند ماه ۱۳۶۸ - ۱۲ صفحه - ۴۰ ریال

دوره دوم - سال چهارم - شماره ۳۷

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دور جدید کشتار در جبهه ها و جنگ خونین شهرها

مردم شرافتمند ایران!

طی سه عملیات فاجعه بار کربلای ۵ و ۶، بیش از ۵ هزار تن از هموطنان ما قربانی اهداف توسعه طلبانه رژیم جنگ و جنایت خمینی گردیده اند. در این عملیات ما جراحویا ته که صرفاً به منظور تصرف چند کیلومتر از خاک عراق صورت گرفت، هزاران نفر در میان دود و آتش و آبهای متراکم از سموم شیمیایی نیست و بنا بر نوشته ها، آجساد متلاشی شده قربانیان چون جنگ طلبی رژیم هنوز هم در با تلافی و صحنه های بزمین مانده است. شدت جنگ و کشتار به حدی بوده هست که برخی از گردانهای اعزامی به خط مقدم جنگ به کلی نابود شده اند. رژیم جنگ افروز خمینی در این عملیات تا فرجام و بدفرجام، تا کنیک جنایتکارانه

امواج انسانی را وسیعتر از هر زمان دیگر بکار گرفت و با این شیوه نا جوانمردانه، هزاران نوجوان و جوان آموزش ندیده را به معاف سلاحهای مدرن و خطرناک طرف مقابل فرستاد تا در یک چشم بهم زدن بسوزند و خاکستر شوند. جنگ مرگ زا در جبهه ها با جنگ خونین شهرها همراه بود. طی چند هفته گذشته شهرهای باختران، استندج، مهاباد، اسلام آباد غرب، تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، بروجرد، خرم آباد، ارومیه، همدان، نهاوند، دزفول، اندیمشک، باهنر، سوسنگرد، دهلران، بیل دختر، کوهستان، قم، گلستان، آراک، زنجان، ایلام، بانه، میوان، میاندوب، و چندین شهر دیگر بظروف وحشتناکی توسط هواپیماهای عراقی بمباران شدند. این تراژدی دهشتناک همچنان ادامه دارد. طبق اعتراف صریح رئیس جمهور رژیم بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی زنان ایران! در راه صلح، دمکراسی و برابری متحد شوید

روز

روز "کار" فرارسیده است. ۱۹ اسفند ماه هفتمین سالگرد "کار" ازگان مرکزی سازمان است. در طول این سال طوفانی، "کار" فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته است. در آینه "کار" خطاها کم نبوده اند. اما در صورت همواره "کار"، بیامودن بزرگ راه سرخ را در مدنظر داشته است که بسوی آزادی و بهروری و نجات امتداد می یابد. "کار" در کار پیوند بزرگ راه سرخی بوده و هست که بسوی شیخ های طلوع، استقلال، آزادی و سوسیالیسم پیش می رود. تسلان ملی "کار" همواره این بوده است که راه کار، یعنی راه کارگران را بسوی صلح، بیروزی هموار سازد. راه کار، یعنی ما می توانیم بر بخت های شرایط و بر خط های خویش چیره شویم و با توشه ای غنی عزم شیخ های بلندتر کنیم در همین است. "کار" نشریه ای سیاسی است و مخاطب آن نیز عمدتاً کارگران و زحمتکشان هستند. در عین حال کار به مسایل شوریک و مسایل خاص عناصر پیشرو و کارگران جنبش نیز می پردازد. در سال گذشته کار کوشید در هرودی این عرصه ها انجام وظیفه کند. اما بدلیل مختلف در عرصه دوم یعنی در عرصه کار این بدولت و یک - شوریک کاستی های جدی داشته است. علت اصلی این کاستی ها نیز اختصاص یافتن نیروی عمده (علاوه بر کار سیاسی) برای حل مسایل نظری موجود در دستگاه رهبری سازمان بوده است. در عرصه سیاسی کار فعالترین و موثرترین نشریه انقلابی کشور بوده است. البته در این عرصه هم یک رشته کاستی ها و اوزار جمله کاستی های ناشی از آسیب دیدن حلقه های اتصال مستقیم تشکیلات محیط های فعالیت بوده، خصوصاً با روستا بخشیم می خورد. اما نسبت به کار انجام داده در این کاستی ها فزونی است. در مجموع می توانیم بگوئیم امکاناتی را که در اختیار داشتیم بکار گرفتیم. کار کوشید تا فعالیت با مسایل سیاسی برخورد کند. در شغاع تا نیز خودتوده های مردم را به نبردی جدی علیه جنگ و رژیم برانگیزد. تقریباً هیچ رویداد عمده سیاسی - اجتماعی نیست که کار نسبت به آن فاقد موقعیت باشد و یا توده ها را در قبال آن رها کرده باشد. طی سال گذشته کار با چندین تحلیل سیاسی جامع و مختصر، و با دهها رهنمود عمومی و مشخص، و با مخالفت فراوان در اقطار و طبقات مختلف خلق، همچنان نقش مهمی در آگاه کردن، سمیت دادن و سازمان دادن نبردها ایفا کرده است. در سال گذشته سر حلقه تشکیلات کار، تبلیغ علیه جنگ و برای تأمین صلح بیدارنگ بوده است. در عین حال اساسی تشکیلات فدایی در کار بر گزیده شدن مساله جنگ و رژیم و صلح و سرنگونی رژیم بوده است که در شغاع رهنمود خلق علیه جنگ و رژیم تجلی می یابد. در سال گذشته، و خصوصاً از اواسط آن تا حتم جدید رژیم علیه سازمان ما آغاز شد. این تمام که منجر به شهادت و اسارت عمده ای از رفا و آسیب دیدن بقیه در صفحه ۲

کارزار جهانی دفاع از زندانیان سیاسی ایران و حمایت از فدائیان خلق

- بیانیه مشترک احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک
- بیانیه مشترک احزاب انقلابی و ترقیخواه هند
- درخواست "کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی"

در صفحه ۱۱

شهادت شیرزن فدایی، رفیق شیدا بهزادی تهرانی

رفیق شیدا بهزادی تهرانی، مبارز پرشور و راهی کارگران و زحمتکشان میهن، شیرزنی ارشاد فدائیان خلق در زندانهای جمهوری اسلامی شهادت رسید. فدائی خلق رفیق شیدا بهزادی تهرانی که در برصه سازمان، عضو کمیته شهر و مسئول زنان در کمیته شهر اصفهان بود، ۲۸ سال پیش در اصفهان به دنیا آمد و بعد از تحصیلات متوسطه به دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان راه یافت و بهزودی به یکی از فعالین جنبش دانشجویی تبدیل شد و از همان زمان بعنوان هوادار سازمان هم توان و شور انقلابی خود را در چهارچوب فعالیت موثر سازمانی مشترک کرد. در روزهای طوفانی انقلاب بعنوان شرکت کننده فعال سازمانده جنبش انقلابی توده ای شناخته شد. بعد از انقلاب بعنوان سازمان در آمد.

رفیق شیدا در جمع همزمان خویش با تشکیلی و تحمل مصائب پذیر خود متخاصم می شد و بر چه میزبان و آرامش، روحی پرشور و روشنی بکار رجا داشت. شیدا شوق تلاش در قامت متانت و روح خوش در بیکرو قرار بوده و در جریان تحولات سازمان همواره با اندیشه ای خلاق در موضع بشرو قرار می گرفت. از همین ماه ۶۱ و نیز پیش از آن در همزمان تحت بگرد قرار گرفت. عوامل امنیتی رژیم در اصفهان او را می شناسند و در مدد دستگیریش بودند. در چنین شرایطی او ضمن انجام تعهدات مادی خویش، بسبب شرکت در هسته های مخفی پرداخت و با بهای همسرش برای ایجاد امکانات جدید سازمانی کوشید. رفیق شیدا در مرداد ماه ۶۸ سالها همسر و فرزندان در تهران دستگیر شد و تحت شکنجه های وحشتناک قرار گرفت. اکنون او تنها به یک وحشی شلاق شیارشدا مانحن نگفت و مزدوران را به انتقام داد است. او پس از یک ماه مقاومت در برابر سزای سازمان خویش را در آرزوی خلق ندا کرد. بقیه در صفحه ۱۱

گرامی باد روز زن!

- * تحمیل حجاب در صفحه ۷
- * حقوق و مطالبات کارگران زن در صفحه ۶
- * مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی در صفحه ۷
- * گسی گم مثل هیچکس نیست در صفحه ۵

کنفرانس مطبوعاتی رفسنجانی با خبرنگاران خارجی در بیمن، همچنین معاهده او با شکست تلویزیونی بی بی سی، این امریکادرامه گذشت و سخرانی او در مراسم ۲۲ بیمن، گواه تازه ای است از اینکه چگونه رژیم جمهوری اسلامی با شتابی روزافزون به امپریالیسم آمریکا نزدیک می شود. این معاهده ها را می توان توبه نامه "فرد شماره ۲" رژیم در برابر امپریالیسم ایالات آمریکا به طیفی کرد. رفسنجانی در مقام خنثی بی بی سی، آن گفت که ما خواهی (مفروق فارلن) را فاش نکردیم، برای اینکه نگلی مسائل (یعنی گسترش رابطه با آمریکا) قطع نشود. او ضمن گله گذاری از اینکه آمریکا با قصد از انقلاب در ایران "به عمل کرده است" گفت که برای گسترش روابط، تنها یک شرط داریم و آن این است که آمریکا ثابت کند که ما مردم، دولت و انقلاب نساً خصومت ندارد. رفسنجانی در پاسخ به این سوال که آمریکا چگونه باید "عدم خصومت" خود را ثابت کند، برای امپریالیسم ایالات آمریکا بی پیام فرستاد که: اگر ۵۰ میلیون دلار ما را بدهد دیگر خصومتی در کار نخواهد بود.

شرفی حقیرانه تر از این، آیا امکان دارد؟ رفسنجانی چنان بکار برآمده یوشی بر تمام جنایات امپریالیسم آمریکا می گوید: "خصومت" امپریالیسم آمریکا با مردم ایران را تنها تا سطح "ا" موال توقف شده، منزل دهد تا فرجه بارفع این بگانه "خصومت" باقی مانده عقد اتحاد رژیم خمینی با امپریالیسم آمریکا را رسماً اعلام کند. درست به همین خاطر است که بنا به اعتراف رفسنجانی (در سخنرانی ۲۲ بیمن)، چند روز پیش از این معاهده، مقامات آمریکا بی با اعمام یکی از ما مورین خود به ایران شماره تلفنی در اختیار خمینی، رفسنجانی و دیگر شرکای آنان قرار داده اند که بنا آرشما رهنسقیما با خود دیگران گفتگو کنند.

هنوز کسی فرا موش نکرده است که رژیم خمینی با چه شعاری تند و انقلابی علیه "شیطان بزرگ" به میدان آمد. ها شمیر رفسنجانی خود را از میدان عوام فریبی پیش از همه گلویا ره کرد و نقش و شعارنار آمریکا کرد. از آنجا هوی "انقلابی" تا اینده ریوزگی عاجزانسه فاطمه سارن نیست آنچه که ما مت شده است رژیم خمینی برای نزدیکی پیش از پیش با آمریکا چنین شتاب ورزد، قبل از هر چیز در واقع شدت بحرانسی آن و ادا جنگ است. رژیم علیرغم تلاش برای فریب مردم خوب می اندک به هیچ وسیله ای از جمله "ا" ندهای غیبی" نمی توانند این جنگ ارتجاعی را که روز بروز بر بحران همه جا تشنه شدن می یزدند، خودتوام کنند. ادا به این جنگ در شرایط بحرانسی عمیقی که موجود است، برای رژیم خطرگسترش مبارزات توده ای و یک انقلاب تازه را به همراه دارد. بقیه در صفحه ۱۱

شرط آشتی با آمریکا!

کنفرانس مطبوعاتی رفسنجانی با خبرنگاران خارجی در بیمن، همچنین معاهده او با شکست تلویزیونی بی بی سی، این امریکادرامه گذشت و سخرانی او در مراسم ۲۲ بیمن، گواه تازه ای است از اینکه چگونه رژیم جمهوری اسلامی با شتابی روزافزون به امپریالیسم آمریکا نزدیک می شود. این معاهده ها را می توان توبه نامه "فرد شماره ۲" رژیم در برابر امپریالیسم ایالات آمریکا به طیفی کرد. رفسنجانی در مقام خنثی بی بی سی، آن گفت که ما خواهی (مفروق فارلن) را فاش نکردیم، برای اینکه نگلی مسائل (یعنی گسترش رابطه با آمریکا) قطع نشود. او ضمن گله گذاری از اینکه آمریکا با قصد از انقلاب در ایران "به عمل کرده است" گفت که برای گسترش روابط، تنها یک شرط داریم و آن این است که آمریکا ثابت کند که ما مردم، دولت و انقلاب نساً خصومت ندارد. رفسنجانی در پاسخ به این سوال که آمریکا چگونه باید "عدم خصومت" خود را ثابت کند، برای امپریالیسم ایالات آمریکا بی پیام فرستاد که: اگر ۵۰ میلیون دلار ما را بدهد دیگر خصومتی در کار نخواهد بود.

دروغی شادان	
★ ما ایستاده ایم	در صفحه ۱۵
★ بیمة یکاری حق مسلم کارگران	در صفحه ۱۲
★ چگونه کنترل نامه ها	در صفحه ۴
★ جمهوری اسلامی، جهنم زحمتکشان	در صفحه ۳
★ از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر	در صفحه ۸
★ اتحاد شوروی خواهان قطع فوری جنگ شد	در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

اتحاد شوروی خواهان قطع فوری جنگ شد

در ۲۴مین ماه میولایتی با آندره کیومریدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در مسکو دیدار کرد. در جریان این دیدار رهبران و نمایان مربوط به مسائل فنی بین و نیز نمایان بین المللی مربوط به دو کشور ملاحظاتی جدی صورت گرفت. کیومریدر صحت خویشی با ولایتی با قطعیت موضع جنگ طلبی رژیم خمینی را محکوم کرد و با صراحت اعلام کرد: «به نفع مردم شما نیست که قبرستانها بنا گورهای کشته شدگان جنگ گسترش یابد...» به اعتقاد ما، با بستن دنبال راه حلی هشیارانه بودیسه عبارت دیگر از راهی برای قطع این جنگ پیدا نکرد. کیومریدر گفت: «ما نتوانیم راهی را اتخاذ کنیم که با راهبهرهبران ایران گفته ایم». او با تاکید بر ضرورت اولویت مذاکره برای ختم جنگ گفت که این جنگ حتی برای یکروز نیز بنا پیدا مادماد. «شوروی همواره خواهان قطع فوری جنگ و انتقال بلادرنگ این درگیری به راه حل های مسالمت آمیز سیاسی بوده است...»

رسانه های رژیم که جریان دیدار ولایتی با مقامات رهبری اتحاد شوروی را آت و آت با انتشار داده اند، برای برده بوی موضع شرفروسانه صلح خواهانه اتحاد شوروی، به نقل از «تلفاز» در انتساب سخنان کیومریدر به راه قطع جنگ و مداخله در افغانستان خودداری نموده اند. ولی دیگر همواره روشن است که اتحاد شوروی از همان آغاز جنگ خانبا نوریسمان دو کشور، خاصه آن را ملاحظه کرده و برای پایان دادن به آن تمامی توان خود را بکار بسته است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در شرایطی برای قطع جنگ با فشاری می کنند که سوسیالیسم آمریکا، بعنوان سرگورده امپریالیستهای عالم، برای ادامه جنگ و ولایت هر چه بیشتر مردم با تمام توان به گورده جنگ می دهد و رژیم خمینی را با تجهیزات و تسلیحات جدید مسلح می یابد. علیت نیروی است: کشورهای سوسیالیستی، کشورهای که طبقه کارگر و تولید و رزیمت بران حاکم است، از منافع رزیمتکنا من سخن می گویند و امپریالیست ها از منافع سرمایه داران و رزیمتکنا حاکم بر این سرزمین سخن می گویند. اظهارات مندرجته رژیم شوروی برای اتحاد شوروی در باره ضرورت قطع جنگ و جلوگیری از گسترش بیشتر گورهای کشته شدگان جنگ از یک طرف و زدودن های خمینی با رگان از طرف دیگر با دیدگاه های فزونی های آخوندها در باره «یکان بودن شرق و غرب» را بر می یازد.

روزهای آرزوهای سازمانی مادرین و پسران آنها شده است، همراهم و خلیف جاب و پسران را در داخل کشورنا شریک دارد، اما با اینهمه کارنا امروز فعلی ترین و موثرترین و پرخواننده ترین تشریسه انقلابی در داخل کشور است.

تشریه «کار» اساسا برای داخل و متناسب با شرایط و امکانات مادر کشور تهیه می شود. جسم تشریه، صفحه بندی آن، ترکیب مطالب آن و حتی نشر آن با توجه به ضرورت جاب و انتشار تشریه در داخل و برای توده ها و متناسب با این وظیفه تعیین می گردد. ما کوشیدیم برخی از وظایف کار را به «اکثریت» محول کنیم تا «کار» با زحمات و فعالیت در داخل کشور و خارج کشور قرار گیرد. کار را فشار می کنند که به دست فدائیان بیگارگروانسانان کوچک و خا نه به خانه بخت می شود و می گویند تا برای اینهمه جانبازی، در فتنی شایسته باشد.

اکنون، در این زادروز خنده، گرمی می یازیم و رخ و رزم تک با باران و همزمان دلیری را که در شب خوبان حکومت فقها و با جانبازی و ایثار شکوهمند خود، کار را تکثیر می کنند و تا به داده، همگونی ندرهای آگاهی و انقلاب، از ادبینه بار آورزنگاه خلق می فشانند، شمار فقا، پیام آوران آینه اند، پنهان بی نام خود را، کار را هر چه جا نانه تریسه کارگران و رزیمبران، به هم مردم ستمدیده و بیگاریجوی ایران برسانند!

اکنون، در این زادروز گرمی، بیاد آوریم بیاد یارانی را که روزگاری برای «کار» کوشیدند و رنج بردند، از مرز دیدگرگاران ما نیستند، یارانی که جای شان در جمع هیات تشریری کار، و در زمان ما خالی است، اما یادشان، به عطر دل انگیزه ستی سرسراگروانسانان، همراهم و پسران و در زمان افشان است. بیاد بیاد و ریم رفیق غمناکی را، همصورقروتن سازمان را، انسان وارسته را که به «سازم سردبیری کار» به بنجرم رزیدین در کشور هیروی سازمان فدائیان خلق به جوجه اعدام سیرده شد، رفیق غمناکی را، پارتیزان جان برکف سازمان در روزهای سخت نبرد با شاه، اولین سازمانگرایان رگم سازمان در روزهای سخت نبرد با خمینی، چه شکنجه های را با ظردفاع از حرمت «کار» و حیثیت سازمان متحمل شد، چه کوشش های کرده شد تا او را بزانودار و رند و بشکند، بوجه شکستی خوردند

در تدارک کنگره

بنا به تصمیم بلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی برای برسی و نخستین کنگره سازمان، هیئت سیاسی کمیته مرکزی موظف گردید، شرایط ضروری برای اجرای قرار مصوب بلنوم فروردین در این زمینه را فراهم سازد. بی تردید برگزاری نخستین کنگره سازمان نقطه عطفی بزرگ در حیات سازمان خواهد بود. برگزاری کنگره اساسی ترین گام در راستای مشارکت موثر اعضا در سرنوشت سازمان و در تصویب اساسنامه بنیادین سازمان است.

کامیابی بزرگ کنگره در آن خواهد بود که سازمان بتواند به اساسنامه علمی دست یابد و بر آن اساس وحدت سازمان را تحکیم و توان انقلابی آن را هر چه شکوفاتر سازد. برای حصول به این هدف مقدس ضروری است که بازرده جمعی تکلیف گرد دوراها و شیوه های در نظر گرفته شده که همه اعضا سازمان بتوانند به آن دست یابند و در نهایت کنگره شرکت جویند و نظرات خود را بر امون پیش نویس اساسنامه کنگره ابراز سازند. شرکت فعالانه اعضا در روند تدارک کنگره در خدمت دستیابی به اساسنامه علمی، تحکیم وحدت اندیشه و عمل در سازمان، پرورش کارگر، برطرف کردن ضعفها و تقویت رابطه رگان های رهبری کنگره با اعضا است.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان اکنون تصمیم گرفته است در راه تدارک کنگره، اساسنامه ای بلنوم فروردین ماه ۶۵ به بحث درون سازمانی گذاشته شود. بدین ترتیب که نقایب که نظرات و پیشنهادهای بی روی این اساسنامه ابراز برای کمیته مرکزی ارسال خواهند شد تا مطابق ضوابط کنگره تصویب

دور جدید گسترش فقط ظرف ۱۵ روز برای جنگ شهرها، ۲۹ شهر برای ۹۶ جملعه هوای شدت بمباران شدند که حاصل آن ۱۷۷۶ کشته و ۶۱۶۲ مجروح بوده است. بر اساس گزارشهای خبرگزاریهای جهان، در درو جدید جنگ شهرها بیش از ۳۰۰۰ نفر کشته شدند و متجاوزان از ۹۰۰۰ مجروح و مظلوم شده اند. در میان آن بیانه نزدیک به ۹۰۰۰ خردسال و نوزده غنچه های امید زندگی دنیا خانواده رحمتکش بودند، در آتش و دود سوختند و بیش از ۱۵۰۰ دختر و نوجوان دیگر برای تمام عصر مظلوم شدند. در سنج طی چند دور بمباران، بیش از ۳۰۰۰ نفر در میان جوانان و اسلام آبا دقظطی از زویش از ۵۰۰۰ نفر بزرگسالین بمبارانها شست و نا بوده گردیدند.

مردم دردمند ایران! هر روز که از معزایین رژیم جنگ افروز و آدمکش میگذرد، بر وسعت و عمق تاجعه ملی که گریبانگشور کشور شده است، افزوده می شود. اکنون کمترین ضرورت و حتی کوچک و خباثانی را میتوان سراغ گرفت که در غم عزیزان از دست رفته، ما ترمزده نباشند. سازمانگورسپا هیونان، اضطراب و نگرانی بی سنگینی تمام بر همه جا مسولی است. با این حال طرفین جنگ تهدید کرده اند که با یکا رگرفتن روئهای تازه در جنگ شهرها، میزان تلفات را تا ده برابر کنونی افزایش خواهند داد. دستور تشکیل سیاه ۱۰۰ هزار نفری «مهدی» که اخبار از سوی خمینی صادر شد در جهت تداوم خویشا ترنجامی بزرگتر در آینده نزدیک است. خمینی برای تکمیل هر چه سریعتر سیاه ۱۰۰ هزار نفره، دست شکارچیان انسان را در کارخانه و مزرعه، در خیابانها و مدارس، در دانشگاهها و ادارات و هر جا که جنبه های است. مطلقا سازمانگداشته است. این جنگ تمام مابریان مردم دو کشور و بیسودا امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی جریان دارد. از صراحت خمینی در تداوم جنس در خدمت استراتژی امپریالیسم آمریکا و توسعه مواضع استراگرا نه در منطقه است. امپریالیستها مخالف با این بافتن جنگ به سودی از دود طرف هستند، آنها به هر دو طرف درگیر، سلاح و اطلاعات جنگی می دهند تا به جنگ ادامه دهند. خمینی برای ادامه این جنگ خویشی، دستهاست که به زدودن بیاد امپریالیستها شست و خا شانه با آنها است و اسرائیلی ها متامله می کند. خمینی منافق و مصلح کشور ما را زیر پای سلطان بزرگ قربانی می کند تا با کمک او تمام کشور را بر اثر آذانه جنگ برباید و دهشت هزاران نفر دیگر را در صلح جنگ قربانی کند و صدها دشمنان را، او را، یک با زویرتکنه کشند، و یک کار بر سینه دیوار.

و بیاد بیاد و ریم رفیق سعید سلطانی، شاعر و شاعر بیگارگو و چریک فدایی خلق را که هنوز ترانه ها و سروده های انقلابی سازمانی «کار» را زبانه می کند، ترانه ها و سروده های که رنج رزم و حماسه امیدبخش ما را می گوید، و ترا می خواند همرا، کار برجم به یک گوندوبه میدان رزم در آمدند. بیاد بیاد و ریم رفیق منموزانگندری را که سراز نخستین شماره های «کار» در دستگاران جای گرفت و برای جریا رزگرنه آن جا نانه رنج برد، او با اقلیت همراه شد، اما خاطره اش برای همه فدائیان همواره گرمی خواهد بود. در خمین خمینی چه دهنده است، بیگاری و باخون کشیدند و چه نامردانه از عهده اش کردند.

هیئت سیاسی رسیده و به حوزه ها و کمیته های سازمانی ابلاغ شده است در یک بولتن بیام بولتن کنگره که بطور مرتب انتشار می یابد درج کرده.

تلاش هیئت سیاسی ابست که انتشار بولتن کنگره در خدمت تدارک کنگره و تدارک کنگره در خدمت تا مین آزاده و احساسات می حول برنا مه و اساسا مه و خطمی انقلابی قرار گیرد. موفقیت ما در برگزاری کنگره و فرا تر از آن موفقیت ما در تا مین وحدت اراده و اندیشه همه نیروهای سازمان تجربه و درسی بزرگ و تاریخی برای مبارزه طبقه کارگر میهن ما و همه رزندگان راه آزادی آن است.

بیام و ریم هیئت سیاسی کمیته مرکزی به همه کارها و افعالی سازمان ابست که راه غلبه بر آن سه سنگین و دشواری که فرا روی ما قرار گرفته، راه غلبه بر نیروهای رژیم، مقابله با حالات جریان های بورژوازی و خود بورژوازی و تدارک یک کنگره پیروزمند، در تلفیق صحیح و هنرمندانه این وظایف از طریق کار بست همه شور انقلابی، آگاهی طبقاتی و همه خلافتیها و ابتکارا تا م است. فقط در این صورت است که شرکت فعال همه اعضا در مباحثات رگان استاد در روند تدارک کنگره می تواند تحقق یابد. بیام هیئت سیاسی ابست که امروز کنگره دشوار رهبر است و کاستی ها در برابر ما قدمی هستند، اما با هر چه ایمان ما به آندیشه مارکسیستی لنینیستی و راهیستی رزیمتکنا ایران برقرار رویش بالاتر از آن دیوار خنجرها هتزا ایستاده است، ایمان در آن که دست دست هم، تا به بهانه های سبج خا مشرو، نخستین کنگره ما را پیروزمندان بزرگوار خواهیم کرد. نیروی وحدتی رزیمده تر، به نیروی خلق قهرمانان ایران، این رژیم پلید و جنا بیکار را درهم خواهیم شکست.

نقطه مسکونی دیگر را به ویرانی کند. مردم صلح دوست و تراقتمندان ایران! متحد و یکپارچه با خیرید و با تمشید ما روزه علیه جنگ و رژیم جنگ افروز، اجازه ندهید که کشور پیش از این در غرقا ب آتش و خون ناسود شود، نگذارید که جامعه ما را به ظلم تری که رژیم برای مردم و کشور تدارک دیده، عظیم وقوع بخود گذرند.

نیروهای صلح دوست و ترقیخواه! هیچگونه تاخیر در تا مین اتحاد عمل گسترده حول شعار صلح و علیه رژیم جنگ افروز و جنا بیکار خمینی محارز نیست. هاشنگ کردن مبارزه با طرف جنگ و بسیج مردم علیه جنگ و رژیم جنگ افروز، مطلقا به لحظه از همه ما نیروهای انقلابی، دمکراتیک و مترقی است.

نیروهای صلح دوست جهان! برای قطع این جنگ خانبا نوز که قریب سال تمام ادامه دارد، هنوز هیچ اقی روشی متصور نیست. لحا جتهای رژیم خمینی، تلاشهای صلح خواهانه مجامع و محافل دمکراتیک بین المللی را بی نتیجه گذاشته است. این جنگ برای مردم دو کشور صمیمیتها و هولناک و هر دم تازه تری می آفریند. این جنگ کشیف و ما چرا جوانان، تهدید جدی علیه صلح در منطقه و یاد و در همه جهان است. تا گذشت هر روز، این جنگ خطرناک دامنه و انبساط نگران کننده تری بخود میگیرد و مستمرا بوجه استحکام مواضع امپریالیسم و تدارک را بر یکا در خلیف فارس می گردد. قطع بزرگ این جنگ، اعلام آتش بس و استراخا صلح فوری، مستلزم تشدید فعالیت همه نیروهای متحد دوست و ترقیخواه جهان است. با به هر چه سریعتر و هر چه قاطعتر جنگ افروزی خمینی محکوم گردد و قروش و ارسال جنگ افروزی و تسلیحات به این رژیم قطع شود. تحت فشار قرار دادن رژیم جنگ افروز خمینی ستم منطوقرطع جنگ و تمکین او به صلح از سوی همه مراکز مجامع، محافل و شخصیت های معتبر بین المللی، مطالبه عاجل مردم ایران است.

زند به صلح
مرگ بر رژیم جنگ افروز خمینی
کمیته مرکزی سازمان فدائیان
خلق ایران (اکثریت)
۲۵مهر ۱۳۴۵

و بیاد بیاد و ریم رفیق نورزین شریفی را که تا هنگام اسارت، برای انتشار کارگردارکا بود و او را از اساق صفحه بندی تا مرکز جاب، کار را بیکسرا تا همرا می کرد، بیاد بیاد و ریم و سرتیق قرار دهم با بیعتی سرنگا، و زانه آجران و بهر اهنی و دلیری که تا پیش را در بیاداری جا نانه از حرمت سازمانش آری، خط سرخ «کار» نشان از خون یاران دارد. در این آینه انقلاب به احترام تکمیل و بیاد بیاد و ریم برای می بدارد. اما کاستی ها و خطها پیش بیگاری که برای اینکه غنی تر و با رورترش بازید، بگویم شما این درشتی مردمی، بسرخ آتش انقلاب در جمهوری جعل و ستم شعله و گردید، و راه توده ها را بسوی پیروزی فردا بر تواقف تا باشد.

جمهوری اسلامی، جهنم زحمتکشان

چنگک ما نند جهنمی هولناک همچنان زیانهای کثرت و مال وهستی مردم را میسوزاند و خاکستر می کند. بمبها بر سر مردم فرو میریزند، شهرها گلوله باران میشوند، همه در اضطراب و هراس اند. کسی نمی داند چگونه روی فردا و یا ساعتی دیگر خواهد دیدبانه، کشور به ویرانه های تبدیل شده است. گورستانها با گور کشته شدگان جنگ هر روز گسترده تر میشوند. ولی خمینی خون آشام و ویرانگر هنوز بی طبل جنگ میکوبد و قریباً نیا بیشتری میخواهند. جوانان باید مدام مراقب خودشان باشند. زیرا ما مورین خمینی درخیا با آنها، در گنگاهای شهرها، در محل های کار، در سینماها، در همه جا و همه جا بدینال جوانان ۱۳۶۵ ساله اند تا جهت اعزام به جبهه های مرگ بنیستی دستگیرشان کنند. رژیم "سیاست اقتصادی نوین" اش هر روز بختش وسیع تر از کارگران و کارمندان را بر سر دورا هستی رژیم بیکاری قرار میدهد. از دسترنج زحمتکشان به انکال مختلف صلیبی راجعت کجک به جبهه کسری میکنند. دهها هزار تن کشته و غلیل شده اند و خانواده های آن در وای وای بر سر تن میسوزند. میلیونها جنگزده آواره اند. از دم عقربت جماران آتش جنگ همچنان زیانها می کشد.

سرکسوب و اختناق بی باقی است. رژیم می گوید داده بود زندان اوین رانه موزه تبدیل کنند. تنها زندانیان سابق را از زندان انتقالی میسوزد، از کمونیست ها انباشته است بلکه مدام زندانیان تازه ای می سازد. سپاه، کجسته، ساواک، بسیج، حزب اللهی ها و تمام افراد دست و شور و خون آشام را صلح کرده و به جان و مال و ناموس مردم مسلط کرده است، تا ندان هر معترضی را به زور دورا هستی زندانی و شکنجه گاهها کنند. در دوران خمینی در همه جا، در کارخانه، مدرسه، دانشگاه، اداره، دانشگاه کچه خرابان، همه جا و همه جا حضور دارند. دهها هزار تن از بهترین فرزندان مردم در زندانها و شکنجه گاه ها اسیرند. هر چند گاه دهها تن تیرباران میشوند.

گروانی بیداد می کند. مردم ایران در طول سالهای اخیر هرگز چنین گروانی وحشتناکی را باخ طرفندارند. گروانی فقط منحصر به یک یا چندگان نیست همه چیز گران است. قیمت ها روز بروز وحشیانه با سرعت با عتت بالا می رود. سفره زحمتکشان هر روز وحشیانه و خالی تر می شود. از کودکان شیرخواره گرفته تا سالخورده گان همه در زیر بار گروانی خرد می شوند. کما چیزی که از آن است جان انسانهاست که هزارها در جبهه ها خاک می افتند و یا بر اثر گروانی دار و دردمان در پیش چشم عزیزان خود جان می دهند. مردم نیز فقط برای آنکس که میباید از آن است، زیرا خرج دهن و کفن و عزای بی برای بازماندگان او عزای دیگری است. کمیابی کالاها روزگار مردم را سیاه کرده است. مردم از گزاینده های حاضر با شدگان لای را به چند بر قیمت آن نیز تهیه کنند، با سانی موفقی نمی شوند، با بدساعت ها و حتی روزها گشت ساعت ها و حتی از کله سحر در صف های طولانی ایستاد، هزاران رنج و مشقت را تحمل نمود تا شاید جسی را به چند برابر قیمت آن پیدا کرد، و تازه ممکن است پس از چندین ساعت انتظار جسی تمام شود. کمیابی نیز منجر به یک یا دو کالایست، از شیر خشک برای شیرخوارگان گرفته تا داروهای بسیار ضروری و حیاتی، همه چیز

ما استفاده ایم
می گویند. رحیمی دستور داده ما به بی باکی رستگاران ببرند. چهار روز روزی تخت افتاده بودم و خون دراز می کردم.

سلول جدید، محار و حمام بودند که علاوه بر زندانیان، نگهبانها هم گنگاه به آنجا می آمدند. آنروز با سدا را به چند نفری در شلوغی تمام با هم حرف میزدند. میان کلاشان، نام "رضی" را که شنیدم، گوشه ای بیستم تیرند. گوشه ای به دیوار چسباندم.
- عجب آدمی است. هفت ساله روز و بیژان بود، کابل خورد، و یک کلام نگفت، حتی در با زجوبی هم حاضر نشد تا زمانی را محکوم کند.
- حیف نیست که چنین آدمهای با اعتقادی، کمونیست باشند؟
- اینها را زودتر از همه با دسر به نیست کنیم، چون خطرناک ترند.
وجودم از غرور لبریز شده بود، بی اختیار در سلول قدم میزدم و شتر می خواندم. حواسه دلوری رفیقان دشمن را همه تحسین و ادائش بود. دلیم میخواست دوباره زرقش را ببینم. آن لخنه سوز مهربان با آن چشم های پر فروغ.

و همه چیز کمیاب است. گاهی اتفاق می افتد که برای گرفتن نان خالی جهت سیر کردن شکم بایستد ساعت ها در صف ایستاد. نفت کافی برای گرم کردن سرینا وجود ندارد. ولی آنچه که کمیاب نیست مزدوران رژیم، با سدا را، کمیته جی، بسیجی ها، گشت های رنگ و رنگ و غیره و غیره است که در سر هر گذری گشت با نی و هر کجوه ای مراقب مردمند.

بیکاری و وحشتناک اربان دیگر رژیم آخوندها و سرمایه داران است. نه تنها کارخانه و کارگاه های صهی ایجاد نمی شود بلکه کارخانجات موجود نیز یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و یا بخش هایی از آنها از کار می افتد. رژیم کارگران را دسته دست وختی در مواردی هزارها را اخراج می کند. بنا به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی (نیم آذر ماه ۶۵)، سرحدی زاده وزیر کار رژیم خمینی گفته است: "فرض بر این است که گذاشته شده است که ۱۱۰ الی ۱۵۰ هزار نفر از کارگران شاغل در واحدهای صنعتی بزرگ در واحدها بیکار شوند. در شرایطی که کارگران و کارمندان شاغل در زیر بار گروانی و کمبود... خرد می شوند، بیکاران و کارگران اخراجی چگونه می توانند از عهده اداره زندگی بیایند؟ روز بروز بر سر تعداد بیکاران افزوده می شود. میلیونها بیکار در بندر بندبند کال می گردند و کسار کجاست که سواره است و بیکار بیاید. خطر بیکاری هموار است و شایسته است که مردمی که در این بیکاری است از همین فردا کار خود را از دست بدهند و به بیلبونها بیکار ملحق شود.

مالیات ها کمترین شده است. رژیم از هر چیزی مالیات می گیرد. مسئولین رژیم گفته اند از سال ۶۶، ۵۰٪ از بودجه کشور را از طریق اخذ مالیات تامین خواهند کرد. رژیم مالیات ها را عمدتاً از مردم زحمتکشان می گیرد.

رشوه خواری دزدی و فساد در ادارات رژیم به مری عادی تبدیل شده است. مسئولین رژیم که مردم را به تقواعت می کنند، کرور کروری می چایند، دزدی و فسادندری است که حتی خیران - خیرندیدنیای و زرا و مسئولین وزارت ها و آخوندها - همه روزها به های جیره خواری خستنی نرسد ز می کشند.

دیگر لازم نیست آخوندهای تبهکار مردم را با آتش جهنم در آن دنیا بترسانند. زیرا جهنم جمهوری اسلامی از هر جهنمی سوزاننده تر و بی رحمت است. اگر در جهنمی که آخوندها برای ترساندن و طمع با خستن مردم وعده اش را می دهند کوه گان نخواهند سوخت، در جهنم خمینی از کودکان شیرخواره گرفته تا پیر مردان و پیر زنان سالخورده و خانه نشین، همه می سوزند و خاکستر می شوند.

ولی اینهمه مصیبت برای همه است؟ گروانی بیکاری چه کسانی را با خاک سپاه نشانده است، کما برای برای کسب آتش جنگ جان و مال وهستی چه کسانی را خاکستر می کند؟ آیا در میان اینسان از سرما به داران، تاجران، زمینداران، شروتمندان و آخوندها و... می توان بیدار کرد؟

این مصیبت ها همه نصیب کارگران، زحمتکشان و افراد کم درآمد جامعه است. سرمایه داران غارتگر، تجار بازرگان، شروتمندان، آخوندها و کارگران رژیم آخوندی نه بیکارند، و نه از بیکاری می ترسند، نه گروانی را احساس می کنند. در سیم اعزاز فرزندانشان به جبهه ها میسند. آنان همچنان سرگرم جیبال و عشق و نوشا اند. جنگ برای آنها نعمت الهی است تا ساد سایه آن منلیا ردها ثروت بیاندوزند. رژیم خمینی

پس از چند روز این سعادت دست داد. آخوین ۵ شنبه مرداد ماهه وقتی که به بیبا رستان رفتند بودم، توانستم او را ببینم. در این بدتی که به سرا و گذشته بود - که هر لحظه اش یک روز و هر روز یک سال می گذشت - مثل شع، قطره قطره آب بود. از او اسکت باریکی باقی مانده بود که روی آن پوستی کشیده باشند. به چشم های مثل اینکه لفل بائیده باشند سرچو رو کرده بود. تلبر عم تحلیل رفتن جسم، نگاهش همچنان امیدوار و محکم بود.

به محض آنکه چشمها را باز کرد، شناخت. مهربانانه لبخند زد و فقط پرسید: هستی؟
با سر باین دادم: هستم.
بلک ها را به آرا می رویم گذاشت، مثل اینکه آرام و سبک تر شده باشد، تکانی به بدن نحیفش داد. دوباره چشم باز کرد. نیروی بیشتری از بدگی را به خویش فرا خورده بود. من هم هستم، و برای آنکه نفسی تازه کند، سکوت کرد. دوباره پرسید: از قبیه جچه ها بگو. حالشان چگونه است؟
یک لحظه فراموش کردم که ممکن است، نگینا نه پرسیدند. کتا رختن نشستم، دستهای استخوانی را درست گرفتم و بند بند شرو به حرف زدن گسردم. از هر کدا منان که می گفتم، چهره اش شکفته سر و

رژیم آنهاست. می گویند به زن یکی از پادشاهان گفتند که مردم نان برای خوردن پیدا نمی کنند، امر کرد: شیرینی بخورند.

در شرایطی که روستائیان نبره روز بندبند ل لقمه ای نان هزارا ربه شهرها را زیر می خورند و رهبران رژیم کارگران را دسته دسته اخراج کرده و به آنها توصیه می کنند که به روستاها بروند و در آنجا کشت و زرع کنند. (۱) در شرایطی که مردم گاهی برای گرفتن نان خالی ساعت ها در صف ناوایی ها می ایستند و اصبح زود جلوی صف ها می گوشت فروشی صف می کشند و برای گرفتن ۴۵۰ گرم گوشت در سه هزاران منت و میرا رت میکشند، آخوندها و تاجران به مردم توصیه می کنند که قناعت کنند و از استسراف بپرهیزند چون کشور در حال جنگ است و خسارت از اسراف کنندگان نا خوش نمی آید.

چساره چیست؟ طبقه کارگر، دهقانان و زحمتکشان شهر و ده برای خلاصی از این جهنم فقط یک راه دارند: پیش دارند. مبارزه علیه این دشمنان میسرد، مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی و برقرار کردن حاکمیت خودشان. نباید بدتن به زورگویی و استکسری داد. بقول معروف "اشک کباب موجب طیفان آتش است" برای مبارزه با گروانی، بیکاری و جنگ و... تنها راه مبارزه است با مدافع های جلوی صفاره و غیره رابه مبارزه اعتراض و نظا هرات تبدیل کرد، باید به سرا بان و مشمولین مخالف جنگ باری رساند، باید بدتن به اخراج و با خریدنداد، با جمع در برابر ادارات رژیم، علیه رژیم مبارزه کرد. باید در برابر جاسوسان، خیرچیان و مزدوران رژیم به همدیگر و سازمانهای انقلابی کمک کرد. باید به خانواده های زندانیان سیاسی باری رساند و همرا ه آنان در اعتراضاتشان شرکت کرد. مبارزات را باید گسترش داد، هماهنگ کرد و برای واژگون کردن تخت خلافت خمینی متحد شد. با سدا از همین امروز یکسار حکومت فدایی ایران بویوتا زمانی که سرمایه داران و مسئولین جبالت بر سر کارند وضع همین خواهد بود. باید رژیمی را بر سر کار آورد که در آن نه سرمایه داران و تاجران با زرا، زمینداران، آخوندها، زندان و غارتگران بلکه خود مردم متحد شده بر سر کار باشند. باید خود کارگران و زحمتکشان رشته امور را بدست گیرند.

مردم ایران بیکار تجره کردند که سرنگون کردن یک رژیم منخلفی بدون بر سر کار آوردن یک رژیم انقلابی برخاسته از میان زحمتکشان و مدافعان محرومان و مستخفیدگان دردهای آسای آنهاست. در زمان نگذره است. حاکمیت طلبان خواستسار برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان، نسبه مهندس بازرگان که خود سر ما به دار است دلش بحال مردم میسوزد و نه آنها نیکه در بندر بندبند ل جنب حمایت امیرالیم و ارتجاع در مبارزه علیه خمینی هستند می توانند از کارگران و زحمتکشان در برابر سر ما به داران و غارتگران دفاع کنند.

طبقه کارگر، دهقانان، زحمتکشان شهرها، کارمندان جز، فرهنگیان و تمامی آنانکه استسرام سرمایه داران و آخوندها به فلان آمده اند برای نپایی همبستگی امری عدالتی و استمنا رو بدست آوردن آزادی واقعی و تمام استقلال کامل کشور را بدست میسند. کمونیست ها مبارزان واقعی ملج، استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم، نه سنگرزمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به بیوندند.

تا دما ن ترمی شد. آتش دروش با تماس دستها، به من هم منتقل می شد. وقتی برای گفتگو ملاقاتی هسا گفته اند توسط دستگیری رهبری سازمان عقیم مانده و تعریف کردم که جچه درس لولها و تا قنای آن روز را جشن گرفته اند، روی دیوار سلولها کوبیده و رقصیده اند. وقتی از حال خود گفتم که آن روز مثل دیوانه ها از درو دیوار بالایی رفتم و بی اراده زیر آوازی زدم، دیگری نشسته بود و همان خنده های آسارای می کرد، گویی یک باره به تمام زنده شده بود، گویی از زنده آمد، چیزی نگفته بود. شادی می کرد. با آن گفتگو گفت: - هر کدا ما از جچه ها که دیدی سلام مرا برسان، به همه شان بگو که همین طور محکم باشند. از هم جدا شدیم، و من آتش قلب فروزانش را با خودم بسرای دیگران می بردم. این آخرین باری بود که در صفی زدیدم. دودست به سال بعد در چنین روزها بی خبر تیربارانش را شنیدم. رفیق، برادر، دوست و نیکباه بزرگی را از دست داده بودیم. جچه ها غصه دار بر غرور و زخم می کردند: آوازه خوان گذشت ولیکن ترانه اش، گل می کند به منده کوهپایه ها، خورشیدهای شب زنده بیدار می شوند، یک روز از کمیته کارگران با سبه ها

برای مهار گروانی و بیکاری علیه جنگ پا خیزید!

چگونگی کنترل نامه ها

مکاتبه بستی از مهمترین کانالها برای یک سری ارتباطات سازمانی، تبادل اخبار و اطلاعات سیاسی و رساندن مطالب تبلیغی برای نیروهای انقلابی است. اما در عین حال دستیابی دشمن به اطلاعات تشکیلاتی، اخبار سیاسی گوناگون که از طریق نامه منتقل می شوند، نیز خطرات بسیار جدی برای شبکه های انقلابیون می آفریند. دشمن به خوبی می داند که بخشی از نامه های که بین داخل و خارج یا دو نقطه از کشور درج می شوند، یا از جانشین مسئولین شبکه های سازمانی است که حاوی اطلاعات معینی از فعالیت سیاسی و سازمانی آنهاست و یا از سوی مراکز رهبری است که حاوی برخی رهنمودهای سیاسی و سازمانی است. از اینرو دشمن نیروی بزرگی را برای کنترل و کشف این نامه ها متمرکز کرده است. دشمن با کشف نامه های که بدون رعایت موازین و مکاتبات نوشته می شوند، اطلاعات وسیعی را در باره چگونگی و مراکز فعالیت افراد و شبکه های سازمانی بدست می آورد. دشمن با دنبال کردن اطلاعات مندرج در این نامه ها، طی یک کار رسیسنا طولانی و با حوصله فادرمی تودحتی به شبکه کامل فعالین دست یابد. نوشتن آدرس غیر واقعی در پشت پاکت بهیچوجه نمی تواند دشمن را مانده از این هوش و آدرس فرستنده را تضمین کند. دشمن با کشف و پیگیری رد های مطرح شده در نامه و جستجو و کشف نامه های که بعد از آدرس فرستاده گردیده است، ارسال می شود، به اطلاعات وسیع گسترده دست می یابد. و با آگاهی از پیگیری سرنخها فرستنده نامه، اطلاعات خود را در باره شبکه سازمانی فرستنده نامه افزایش دهد. علاوه بر نوشتن آدرس فرستنده خارج منجر به لورفتن نامه ها از دیگر گروهها و افرادی که ممکن است با آن آدرس مکاتبات داشته باشند، می گردد. بر اساس آنچه گفته شد، کانال مکاتبه بستی می تواند یکی از مهمترین نقاط ضعف و احوال کار ری ترین فریاد سازمانهای انقلابی باشد. برای برطرف ساختن این خلوصه و بهره گیری از امکانات بستی جهت پیشبرد فعالیت انقلابی، بین ازره جزیبا باید چگونگی سیستم کنترل مکاتبات را شناخت و وسایل بکارگیری روشهای درست انتخابی دشمن را در این خصوص حقیقت نمود. مطلب حاضر با همین هدف تنظیم شده است. در عین حال اطلاع دقیق از کم و کیف و مکاتبه سیستم کنترل نامه ها در مراکز بستی ایران و ارسال مشروح آنها به رهبری سازمان های انقلابی می تواند در تکمیل این توضیحات و اتخاذ روشهای مطمئن تری برای مقابله با کنترل نامه ها نقش مهمی ایفا کند.

بسیار سیاسی هر کشور دارای بخش ویژه ای برای کنترل بنیانی مکاتبات داخلی و خارجی است. این بخش دارای کارمندان، وسایل و آژانسها مخصوص به خود است. در مراکز بستی کشور نیز سیستم مخصوص وجود دارد، که ما موران اطلاعاتی رژیم در آنجا عملیات کنترل نامه ها را انجام می دهند. علاوه بر ما موران اطلاعاتی که گماره شده در مراکز بستی رژیم بسیاری از کارمندان این مراکز را افراد دمسودر اعتماد دووا بسته به خود برگزیده است که از آنها نیز برای کنترل نامه ها استفاده می کند. حتی در مواردی که بتوانند نامه ها را با این نیز به همکارانی با ما موران ساواک خمینی جلب می کنند.

نامه های که در هر شهر به آدرسهای داخل و یا خارج بستی می شوند، از بخشهای متعددی کنترل می گذرند. بخشهای مزبور زیر نظر مستقیم ساواک خمینی قرار دارند. با بد توجه داشت که نامه های خارج علاوه بر این بخشها، در عین حال از مراکز بستی امپریالیست نیز بستی کنترل، در عین حال از مراکز بستی امپریالیست نیز بستی کنترل نامه ها توسط ارگانهای بلژیسی و جاسوسی کشورهای غربی علیه سازمانهای انقلابی مورداستفاده قرار گرفته و با بر اساس همکارانی های رسمی و غیررسمی موجود به ساواک خمینی فروخته می شوند.

اهدافی که ساواک خمینی از کنترل نامه ها دنبال میکند عبارتند از:

- ۱- کشف اطلاعات سیاسی، تشکیلاتی و امنیتی در مورد سازمانهای انقلابی.
- ۲- قطع کانالهای ارتباطی بستی بین واحدهای سازمانی و مراکز رهبری، محروم کردن آنها از کانال بستی برای برقراری ارتباطات سازمانی، جلوگیری از ارسال اخبار و اطلاعات سیاسی به مراکز رهبری در خارج و همچنین مطالب و رهنمودهای رهبری به شبکه های سازمانی.
- ۳- پیشبرد برخی اقدامات خرابکارانه از طریق دستکاری در مکاتبات.
- ۴- جلوگیری از رسیدن نشریات انقلابی به دست فعالین و هواداران جنبش انقلابی و مردم.

جلوگیری از خروج اطلاعات اخبار مهم و اسناد سری حکومتی. علاوه بر اهدافی که کنترل مکاتبات علیه سازمانهای انقلابی دنبال می کنند، اهداف مختلف دیگری از جمله ارزیابی از سبیل مطروحه در میان مردم نیز مورد نظر رژیم می باشد.

مکاتباتی که بطور مشخص مورد کنترل قرار میگیرند عبارتند از:

- ۱- مکاتبه با آدرسهای عسلی و یا لورفته سازمانهای انقلابی، محافل و شخصیتها ضد حکومتی.
- ۲- مکاتبه با کتبه های که مراکز ارتباطی سیاسی سازمانهای انقلابی در آن فعالیت دارند و مکاتبات نواحی بحرانی داخل کشور.
- ۳- نامه های که حجم غیر عادی دارند، نامه های بسیار جاسازی و یا تمبروری در پاکت و اغلب نامه های سفارشی.
- ۴- آدرس هایی که مکاتبات متعدد و غیر عادی دارند و نامه های که همزمان چندین عده با خط و پاکت و حجم یکسان به آدرسهای مختلف بستی می شوند.
- ۵- نامه های بدون آدرس فرستنده یا آدرس آشکار غیر واقعی.
- ۶- نامه های رسیده به صندوق های بستی ناخواب.
- ۷- کنترل نویسی یا تصادفی همه نامه های برخی از کشورها، یا مناطق و شهرهای مختلف ایران.

بخش کنترل نامه ها و مراحل عمل میکنند؟

۱- اولین مرحله کار بخش کنترل، جدا کردن نامه ها و مراحل مورد نظر (مشکوک) برای باز کردن آنهاست. در کشورهای پیشرفته غربی، این مرحله توسط دستگاههای پیشرفته الکترونیک و کامپیوتری صورت می گیرد. در کشور ما نیز این کار با سیستم مکاتبه نیمه اتوماتیک در مراکز اصلی بستی تهران و یا به صورت تفکیک دستی نامه ها در مناطق بستی تهران و مراکز بستی شهرها انجام می شود.

مراکز اصلی بستی تهران واقع در خیابان کارگر، محل تفکیک کلیه نامه های است که از کنترل اولیه در مناطق بستی و مراکز شهرها گذشته و یا از خارج وارد شده اند. عملیات تفکیک نامه ها در طبقه اول این مرکز که ما شبنهای تجزیه اصلی مجتمع در آنجا نصب شده اند، انجام می شود. نامه های از عبور از استوانه ها یا یک قطعه حرکت خود را کتبی غیرا راستا ندارد و از دور خارج می آید، بر روی نقاله ای قرار میگیرند که آنها را به بخش اپراتورها می برد. در این بخش دهها کارمند مرتفع که نامه های را که به ترتیب از برایشان عبور می کنند، انجام می دهند. بخشی از این اپراتورها، با ما موران و یا عناصرواسته رژیم هستند و رژیم می کند دیگر کارمندان این بخش را نیز در زیر نظر روتهدیده همکارانی برای کنترل نامه ها جلب کند. اپراتورها مختص نامه های را که باید برای کنترل جدا شوند، در اختیار دارند. تعدادی از آدرسهای لورفته نیز در اپراتورها برای کارکنان گذاشته شده است. آنها می توانند نامه های بسیار مختص را در نظر هنگام عبور از آنها برخورد به سرعت تشخیص داده و جدا نمایند. کار تفکیک نامه ها در مورد کتبه های غیرا ستانداردی نیز که از مسیر خارج شده بودند، بطور جداگانه انجام می شود. علاوه بر نامه های که به صورت بستی فوق تفکیک می شوند، جدا کردن نویسی کلیه نامه های خارج با مناطق مختلف کشور نیز بستی بستی صورت می گیرد. مسئولین کنترل نامه ها هم، هر چند که با روی تفرقا تعدادی از نامه های رنده توسط اپراتورها را مورد کنترل قرار می دهند تا بر چگونگی کار آنان نظارت نمایند. عملیات تفکیک در مورد بستی بستی نیز به ترتیب انجام می شود. اما با بدقت بسیار با انجام می شود، بویژه بسته های بستی واسله از خارج تماما مورد کنترل قرار می گیرند.

در مراکز بستی شهرها نیز تفکیک نامه ها بدون تجهیزات مکانیزه، اما با بدقت بیشتری انجام می گیرد. چرا که ما موران تفکیک نامه ها شناخت زیادی از افراد و آدرسهای مورد مکاتبه دارند.

و با آگاهی از آنکه در رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر کنترل نامه ها در مراکز بستی، در موارد متعددی مشاهده شده که نامه های که جهت توزیع در اختیار ما موران محلات قرار می گیرد، به دلیل همکارانی برخی از آنان با رژیم و یا مجبور ساختن آنها توسط مساجد، بسیج محل و غیره به مراکز مزبور در محلات برده شده و نامه های با مصالح مشکوک مردم یک بار نیز توسط ما موران محل رژیم تفکیک شده و گشوده می شوند.

- ۲- مرحله دوم، مرحله گشودن نامه ها است. ما موران مربوطه بسته به مشخصات نامه از چند شیوه برای باز کردن نامه ها استفاده می کنند. این شیوه ها عبارتند از:
 - ۱- روش معمول برای باز کردن نامه ها، استفاده از زنجار گرم (پاکت روی کاغذ گشودن مربوطه) که روی

میزداغ قرار دارد، گذاشته می شود و با استفاده از اظو هوای گرم است. در این روش پاکت به سرعت و بدون آسیب دیدگی بازمی شود.

- ۲- روش مکانیکی برای باز کردن نامه ها که با کمک کاردک چوبی یا پلاستیکی انجام می شود.
- ۳- روش شیمیایی برای باز کردن نامه های که از چسب غیر محلول در آب برای جسدان در پاکت استفاده شده است.

در مواردی هم که بدون تا به تشخیص نوشته های چاپی مربوط می شود، بدون باز کردن نامه به کمک نورقوی و یا وارد کردن پاکت در بزرگترین سفیده را حتی متن نوشته را می خوانند.

در مواردی که باز کردن نامه با بدقت صورت می گیرد، قبل از گشودن نامه پاکت را به معاینه ظاهری کرده و کوشش می کنند نشانه گذاریهای احتمالی روی آتراکتف کنند. سپس علایم ظاهری روی پاکت را بدقت داشته می کنند در بستی مجدد پاکت آن علایم را رعایت کنند. به همین ترتیب هنگام خارج کردن نامه از نامه از زدن پاکت نیز سعی می شود. نحوه قرار گرفتن اوراق نامه با بدقت ثبت شود. اما در عمل عمدا در بسیاری از نامه های کنترلی و پابین بستن کیفیت کار ما موران کنترل، به آنها اجازه نمی دهد که نشانه های احتمالی روی پاکت یا درون آنها را تشخیص دهند و ظرف کاری های لازم برای بستن مجدد در پاکت را رعایت کنند. از اینرو تشخیص نامه های باز شده نسبتا آسان است و در موارد متعددی حتی قسمتی از در بستی و طرفین پاکت نیز با روشی که ما موران کنترل بدون تعویض یا ترمیم پاکت آن را ارسال می دارند.

لازم به یاد آوری است که گشودن نامه ها تنها از در بستی اصلی پاکت انجام نمی شود، این کار در موارد بسیاری از باز کردن طرفین یا قسمت پایین نامه صورت می گیرد.

- ۳- مرحله سوم، خواندن نامه ها است. نامه های که حاوی مطالب سیاسی و یا مشکوک باشند، جهت پیگیری به ما موران مربوطه داده می شود. در موارد بسیاری ضمن فتوکپی کردن این نامه ها و ثبت آن برای پیگیری، اصل نامه به آدرس مربوطه ارسال می شود.
- ۴- مرحله کشف نامه های نامرئی، روی نامه های که آدرس گیرنده یا فرستنده آنها مورد حساسیت است و یا نشانه های از وجود متن نامرئی در نامه وجود داشته باشد، اقدامات معینی جهت کشف نوشته نامه صورت می گیرد. بدین منظور ابتدا نامه جلوی نور گرفته می شود تا محیطهای زخمی شده کشف ممکن است هنگام نامرئی نویسی ایجاد شده باشد کشف شود. سپس نامه مزبور در برابر گرما یا یخ مذاب قرار داده می شود که با توجه به استفاده وسیع از این روش، نامرئی نامرئی با آب لیمو، آب تریو... چنین متن های در زیر گرما یا یخ ذوب می شوند. در صورتی که علیرغم وجود علائم مشکوک، متن ظاهر نشود، استفاده از مواد شیمیایی و سایر متدها برای کشف متن نامرئی شروع می شود.

۵- مطالب کشف شده در نامه ها را مرتباً به مسئولین مربوطه رجاع می کنند. طبق تشخیص آنها، نامه های مزبور با ضمن فتوکپی و پیگیری مسائل به مقصد فرستنده می شود یا کلا ضبط می شود. در مواردی نیز ممکن است با نوشتن نامه جدیدی به جای نامه اصلی و یا تغییر بعضی مطالب آن، نامه را ارسال کنند. در این موارد سعی می شود که حتی الامکان نامه با بدقت بسته شود تا نشانه گیری متوجه نشدن نامه ها، نامه های که با جوهرهای نامرئی ابتدایی مثل آب لیمو نوشته می شوند، نیز بعد از روشن شدن امکان باز کردن مجددشان به حالت نامرئی اولیه وجود دارد. این کار با عبور دادن آنها از ابزارهای مربوط گرم صورت می گیرد. در مورد نامه های که با جوهرهای نامرئی شیمیایی نوشته شده و احوال نامرئی با باز کردن مجدد به حالت اولیه وجود داشته باشد، هرگاه ارسال آنها ضرور باشد، این امکان وجود دارد که نامه دیگری با همان خط و جوهر و بطور ما موران نوشته و ارسال نمایند تا گشودن صورت کشف دشمن موفق به کشف متن و اطلاعات آن نشده است.

- ۶- آخرین مرحله، گذاشتن نامه در درون پاکت و بستن پاکت به حالت اولیه و ترمیم نقاط آسیب دیده آن است. اگر پاکت هنگام باز کردن نامه از بین برود، در صورت لزوم سعی می شود پاکت جدیدی با خط مشابه پاکت اصلی تهیه و ارسال شود. البته در بسیاری از موارد نامه مزبور در ارسال این نامه ها را به زبان خود تشخیص داده و نمی فرستند. اما بنا بر آنچه که در این مطلب توضیح دادیم، دریافت نامه های که اطلاعات مشخص بطور مرئی یا نامرئی در آنها نوشته شده، بهیچوجه نشانه عدم کنترل و کشف آنها نیست. چه بنا چنین مکاتباتی در متدیا بین افراد ادما به با بدقت با کنترل مداوم نامه های آنها به اطلاعات با بدقت با وسیع و کاملی در باره آنها نتواند دست یابد.

زنان ایران! در راه صلح ، دمکراسی و برابری متحد شوید !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هفتم مارس ، روز جهانی زن را با آرزوی پیروزی برای مردم زحمتکش کشورمان ، به تمامی زنان و مادران ایران صمیمانه شادباش می‌گوید .

زنان جهان امسال عید خود را با عزم استوارتر و در پیکار ربه‌خاطر صلح ، ترقی و برابری جشن می‌گیرند . در سالی که گذشت مبارزات عادلانه زنان ایران علیه رژیم جنگ افروزون ستیز خمینی در ما بین المللی با زنان بیشتری یافت . سازمانهای زنان دمکرات در سراسر دنیا و در رأس همه آنها "فدائیسون بین المللی زنان دمکرات" از این مبارزات پشتیبانی پرشور و رزمجویانه بعمل آورده اند .

زنان هموطن انبیا خیزید ، متحد شوید و علیه جنگ و جنایات هولناک رژیم خمینی با تمام توان بیزیدید **مادران !**

آخوندهای حاکم بر کشور از میان شط خون فرستادن انقلابی و منبر رزما بسوی اهداف پلید خود راه می‌پایزند . سرکوب خونین احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ، اعدام هزاران تن از بهترین فرزندان شما ، زندان و شکنجه هزاران زن مندمه راه صلح و استقلال ، دمکراسی و عدالت ، اجتناب از بخشا زکارنامه خونین خمینی است . تصادفی نبود که در آستانه بر ملا شدن معاملات پنهانی خمینی - ریگان ، موج وسیع دستگیری فدائیان خلق و نیز تشدید بگرد علیه دیگر فرزندان مبارز خلق برآه انداخته شد . زندانیان خمینی امروز بیش از هر زمان شاد و بیکار رحمانی فرزندان دالور شما و از جمله زنان پیشرو و ترقیخواه در بند ایران است . اعتصاب غذای قهرمانان زن زندانی همراهِ هم زنجیران مرد خود جلوه رزم شادمانه زندانی به گسترده‌گی ایران است . با طو روخ چکان خمینی همچنان بر فراز سر فرزندان دالور در بند شما است . برای نجات جان فرزندان خود صفوفتان را متحدتر و یکپارچه تر سازید . به دفاع قاطعانه از زندانیان سیاسی برخیزید . از مبارزات رزم جویانه خانواده‌های زندانیان سیاسی پشتیبانی کنید !

زنان دمکرات و ترقیخواه کشور ! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، بیکار خستگی نا بدیرتان در امور و شناسایی و سازمان دادن مبارزات زنان کشور و انعکاس رنج و رزم آنان در سطح بین المللی را ارج می‌گذارد . جنبش خود پیویراکنده توده زنان کشور را سازمان دهد و در راه یکپارچه ساختن جنبش دمکراتیک زنان ایران بنشیند از هر زمان اهتمام بورزید . بخاطر داده شده با شید که بدون شرکت توده زنان کشور نمی‌توان مبارزه در راه سرنگونی رژیم خمینی را به جنبش پر دامنش و ظفر نمون نهاده ای تبدیل کرد .

زنان و مردان رزمنده فدایی !

شما در زیر شمشیر آخته خمینی پیام آوران صلح دموکراسی و برابری هستید . بیگانه دلا نه زنان را علیه جنگ در دفاع از زندانیان سیاسی ، علیه قوا بین ظالمانه خانواده علیه تبعیضات شغلی و تحصیلی و علیه تحمیل حجاب سازمان دهید . در راه تحکیم پیونده خود با مبارزه توده زنان کارگرو زحمتکش مجدانه تلاش کنید . از همه امکانات و اشکال فعالیت که به گسترش روابط مستقیم و غیرمستقیم شما با زنان مبارز دنیا منجر شود ، از با دنیایی که تنها با تلفیق هشیارانه و ما هرا نسیه مبارزه مخفی با فعالیت علنی است که آگاهی سیاسی و اجتماعی در توده زنان راه می‌گشا بد جنبش دمکراتیک زنان ایران رشد و ارتقا می‌یابد .

تا مبن اتحاد عمل با سایر زنان دمکرات و ترقیخواه کشور در صدر برنامه‌های شماست . گامون های اتحاد رزمجویانه علیه رژیم خمینی را در میان خانواده‌های جنگ زده و خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان ایجاد کنید . با گسترش فعالیت‌های خود و با نشرده تراختن صفوف جنبش دمکراتیک زنان ایران به کنگنه ، اینست پیام ما در فرخنده روز جهانی زن .

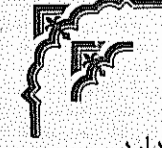
زنده باد ۸ مارس ، روز جهانی زن !
 پیروزی جنبش دمکراتیک زنان ایران !
 برقرار باد اتحاد عمل و همکاری گسترده زنان انقلابی و دمکرات ایران !
 درود آتشین بر زنان رزمنده در بند !

کمیته مرکزی
 سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 ۳۰ بهمن ۱۳۴۵

زنان هموطن !

امسال رژیم خمینی با بنده بست ضد ملی خود با کج خلق سفید ، اقدام خائسانه تازه ای علیه منافق همه مردم انجام داد . هدف اصلی زدوبندهای سری جناران با کج سفید ادا به جنگ ویرانگر است . شعله ورنگا هداشتن آتش جنگ یعنی گشتار ردهها هزار تن دیگر ، یعنی ویرانی با رزم بیشتر کشور و آرزوی دهها هزار مرد درو گوئی .

ادامه و تشدید جنگ ، بی‌خانی ، بیکاری ، فقر و گرسنگی و گزانی را به بلای عمومی خانواده‌ها تبدیل ده است . مصائب جنگ دا من معصوم کودکان ، بیچاره خوار را نیز گرفته است . احکام رو کمونیست خنک ، کودکان شیرخواره را با گرسنگی دائمی روبرو ساخته است . ناداری و بیسی سریناهی و استیصال ، شرف و عزت بسیاری از زنان و دختران را در معرض یغما قرار داده است . رژیم خمینی بر زمینها استمرار جنگ خائمانسوز ایران و عراق بنیان خا نواده را در سراسر شیب انحطاط و تلاشی سوق داده است . جنگ میزان طلاق را بنحویسابقه ای افزایش داده است . جنگ فساد و فحشا را گسترش داده است . مرددها دسته دسته در جبهه‌ها کشته می‌شوند و زنها دسته دسته بیوه می‌شوند . آخوندها از این وضعیت دردناک زنان بیشترین استفاده را برای پیشبرد افکار وحاکم ارتجاعی خود بعمل می‌آورند . آنها مرتب می‌نویسند و چند همسری را تبلیغ می‌کنند و برای چند زنه کسردن مردان و زواج عقده‌های موقت که چیزی جز فحشای رسمی نیست امکانات فراهم می‌آورند . جنگ بد زهنساز را می‌کشد و قانون ولایت فقیه کودکان را از مهر سادگی نیز محروم می‌کند . صدها هزار کودک پدران خود را از دست داده اند و اکنون رقم کودکان بی‌بیمی کشته دست قانون خمینی آنها را از آغوش مادر می‌رباید و به میلیون می‌زند .



و میتواند
 تمام حرف‌های سخت کتاب کلاس سوم را
 با چشم‌های بسته بخواند
 و می‌تواند حتی هزار را
 بی آنکه کم بینا ورد از روی بیست میلیون برادر دارد

 کسی می‌آید
 کسی می‌آید
 کسی که درد دلش با ما ست ، در نفسش با ما ست ،
 در صدایش با ما ست

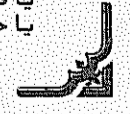
 کسی که آمدنش را
 نمی‌شود گرفت و دستبند ز دویه زندان انداخت
 کسی که زیر رخت‌های کهنه یحیی بچه کرده است
 و روز به روز
 بزرگ می‌شود ، بزرگتر می‌شود
 کسی از باران ، از صدای شرشر باران ، از میان بیچ و بیچ
 گل‌های اطلسی

 کسی از آسمان توپخانه در شب آتش بازی می‌آید
 و سقره را می‌اندازد
 و چکمه‌های لاستیکی را قسمت می‌کند
 و سینمای فردین را قسمت می‌کند
 و رخت‌های دختر سید جواد را قسمت می‌کند
 و هر چه را که با دگرده با شد قسمت می‌کند
 و سهم ما را هم می‌دهد
 من خواب دیده ام ...

گسی گه مثل هیچکس نیست

من خواب دیده ام که کسی می‌آید
 من خواب دیدم ستاره قرمز دیده ام
 و بیلک چشم‌های می‌پرد
 و کفشهای بی‌هی جفت می‌شوند
 و کوروشوم اگر دروغ بگویم

من خواب آن ستاره قرمز را
 وقتی که خواب نبودم دیده ام
 کسی می‌آید
 کسی می‌آید
 کسی دیگر
 کسی بهتر
 کسی که مثل هیچکس نیست ، مثل پستدرنیست
 مثل آنسی نیست ، مثل یحیی نیست ، مثل مادر نیست
 و مثل آن کسی است که با یدیا شد
 و قدش از درخت‌های خانه‌ی معمار هم بلندتر است
 و صورتش
 از صورت اما مازمان هم روشنتر
 و از برادر سید جواد هم
 که رفته است
 و رخت با سبانی پوشیده است نمی‌ترسد
 و از خود سید جواد هم که تمام اتاق‌های منزل ما
 مال او ست نمی‌ترسد
 و اسمش آن چنانکه ما در
 در اول نما زودتر خرما صدا یش می‌کند
 یا قاضی لقضا است
 یا حاجت‌الحاجات است





کارگران زن در جنبش کارگری میهن ما به هم پیوسته و بیژدی دارند. آنها بواسطه متمایز بودن حقوقی که متعلق به آنهاست، علاوه بر حقوق صنفی و طبقاتی تمام کارگران، در تحقق حقوق صنفی و اجتماعی ویژه زنان نیز مستحقا دینفندند. لذا دوشا دوش برادران کارگر خود، برای تحقق حقوق صنفی و سیاسی و رهاشی اجتماع صنفی مبارزه می کنند. این مبارزه در شرایط حکومت بورژوازی و استبدادی خونخوار، در شرایط نفی خشن و آشکارا ابتدا ثمرین حقوق اجتماع زنان، در شرایط تلفیق استبداد روستم سرمایه داری با تضیقات شرعی و اجاقیات قرون وسطائی علیه زنان، از جاساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. کارگران زن هم از لحاظ طبقاتی و هم به لحاظ اجتماعی مورد ستیز، تحقیر و کینه کورخوشی رژیم بورژوازی و آخوندی قرار دارند. لذا مبارزه برحق شان در دشوارترین شرایط ممکن صورت می گیرد.

رژیم خمینی با اعمال سیاست خانه نشین کردن زنان کارگر و کارمند، جلوگیری از استخدام های جدید، مانعاً از کنیز زدن و وکستوشن فعالیت اجتماعی و علمی، فرهنگت سیاسی زنان، اخراج های گسترده، حذف امکانات و حقوق صنفی ویژه زنان در محیط های کار از قبیل تعطیل مهدکودک ها و شیرخوارگان، تحمیل حجاب اسلامی و اجاقیات بیشتر و دیگر حقوق صنفی و اجتماعی زنان کارگر را بطور بیجا بقای با اعمال کرده است. با ندادن به این شرایط، قبل از هر چیز درگرومنا ریزیکارچشمه کارگران زن و مرد از طریق شکل های مختلف صنفی، بیرون استوار با سازمان سیاسی پیشاهنگ خود و با مبارزات دمکراتیک تمام بویژه جنبش دمکراتیک زنان است.

اما بنیادهای طبقاتی آنها با بردن کارگران زن، جز از طریق شرکت فعالانه در مبارزات جاری آنها، آگاه کردن شان به حقوق اساسی کارگران زن، افشای قوانین ضدکارگری و ضددمکراتیک رژیم و آموزش اشکال و روش های موثر مبارزه میسر نیست. نیروهای پیشرو برای ساختن یک سازمان سیاسی منظم، باید بدانند که اگر کارگران اصلی حقوق ویژه کارگران زن، مواد اصلی نقض این حقوق در قانون کار رژیم و وظایف مبارزاتی زنان کارگرمیهن ما چیست؟ هر یک از اصلی حقوق و مطالبات کارگران زن:

- ۱- برخورداری از حق برابر با مردان در امر اشتغال، ترفیع و امنیت شغلی.
- شرط مقدم رهاشی اجتماعی زنان، حضور فعال و همه جا نیت آنان در عرصه کار و تولید اجتماعی است. برخورداری زنان از این حق و شرکت آنها در تولید اجتماعی، قبل از هر چیز امکان رهاشی از بردگی خانگی و شرکت در تعیین سرنوشت جامعه را میسر می سازد. زنان علاوه بر برخورداری از حق امنیت شغلی، باید از حق دریافت دستمزد مساوی در برابر مردان کار مساوی با مردان و نیز از امکان ترفیع شغلی با بالاترین سطح، بدون اعمال تبعیض برخوردار باشند. بدون یک چنین امکانی، نمی توان از شرکت موثر زنان در فعالیت های اجتماعی سخن گفت. اما سیاست ضدکارگری و ضددمکراتیک جمهوری اسلامی، اساساً با ترفیع شغلی زنان کارگرمیهن ما متضاد است. تضمین حق کار و امنیت شغلی آنان است. جمهوری اسلامی با توسل به مبتذل ترین دستاویزها می گوید ما حق شرکت زنان در فعالیت های اجتماعی را ششود و نیتهاست می کند ضمن محدود کردن عرصه های کار زنان تا شغل، آنها را تنها در مشاغل ساده و کم اهمیت نگه می دارد. کارگران زن در یکباره، اخیراً در زمینه نخستین قربانیان اخراج های وسیع بوده اند. علاوه بر آن، طبق بخشنامه های دولتی، از جمله بخشنامه های وزارت صنایع سنگین، از مدت ها پیش استفاده از کارگران زن ممنوع شده است. اخراج و باز خرید کارگران زن و جایگزینی آنها با خویشاوندان مرد کارگرمیهن ما مطرح "مردان قامل"، جنبه دیگری از سیاست اعمال تبعیض علیه زنان و محروم کردن آنها از حق کار و امنیت شغلی است. توسل به توجیهات شرعی، ترفیع عدم رعایت حجاب کامل اسلامی، گفتگو با همکاران مرد و پنهان سازی آنها با خویشاوندان مرد دیگری از اعمال این سیاست ضددمکراتیک و فسوق ارتجاعی است.

۲- برخورداری از حقوق مساوی در کسب آموزشی فنی، حرفه ای و تخصصی.

بخش اعظم زنان کارگرمیهن ما از نظر نفسی در سیستم تولید و خدمات، جایگاه نازل دارند. بسیاری از مشاغل غیر فنی، بیست و در عین حال پرزحمت تولیدی و خدماتی بر عهده زنان کارگرمیهن ما است. در زمینه برخورداری از حق آموزش حرفه ای با آزادی، کسب تخصص و ارتقای سطح مهارت شغلی، در مقایسه با مردان، تبعیض آشکار وجود داشته و در ایران جمهوری اسلامی این امر به مراتب تشدید شده است. در طرح طبقه بندی مشاغل نیز که ارزش فنی کار کارگران یکی از شاخص های دریافت مزایای شغلی

استنداً منته شمول محدود بوده و احدها حتی است که بیش از ۵۰٪ کارگران رندوکو بگرایش در استخدام رسمی اند. حال آنکه بخش اصلی کارگران زن در واحدهای زیر رهفرکار می کنند و طبق این طرح، انگیزه مادی برای کسب مهارت بیشتر برایشان وجود ندارد.

زنان کارگرمیهن ما علاوه بر تاهای حقوقی مطالبات مربوط به کسب آموزش های حرفه ای و تخصصی باید برای تامین امکانات سوادآموزی برای زنان کارگر بیسوا دویزاً امکانات تحصیلی بالاتر در حین کسب (بدون کسب حقوق)، مبارزه کنند.

حقوق و مطالبات کارگران زن

کسب آموزش های حرفه ای و تخصصی لازمه ترفیع شغلی و راهیابی بیشتر به واحدهای پیشرفته و منابع کلیدی است. در بسیاری از کشورهای بزرگ سرمایه داری کارگران زن به اشکالی اتحادیه های کارگری، کسب آموزش های حرفه ای و تخصصی را یکی از مطالبات اصلی خود قرار داده و دولتها را موظف به ایجاد دوره های آموزش شغلی و تامین مشاغل مناسب و جدید می نمایند.

۳- برخورداری از حقوق ویژه رفاهی و تامین اجتماعی زنان بواسطه وضعیت ویژه خود، ضمن برخورداری از حقوق برابر با مردان در عرصه های مختلف حقوق کار و تامین اجتماعی، باید از حقوق صنفی ویژه ای نیز برخوردار باشند. در طوفان سیاسی این حقوق در اعلامیه جهانی حقوق سندیگائی، منشور جهانی تامین اجتماعی و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار تصریح شده است. مهمترین موارد حقوق ویژه صنفی زنان عبارتند از:

- معافیت از کارهای شاق بدنی، شیفت کار شبانه و مشاغل زیانبار.
- تامین و تضمین حقوق مادری، حق استفاده از شیرخوارگاه و مهدکودک در جنب محل کار، تخصیص ساعات از وقت کار برای شیر دادن به نوزادان شیرخوار. (در هر ساعت، نیم ساعت).
- حق برخورداری زنان با دراز از مرخصی های قبل و بعد از زایمان، بدون کسب حقوق و مزایا. (حد اقل ۳ ماه).
- تعیین سن دهالگی بعنوان سن بازنشستگی زنان، (همال کمترین بازنشستگی مردان).

حقوق کارگران زن و قانون کار جمهوری اسلامی

مبارزه در راه تدوین و اجرای قانون کاری که مدافع حقوق کارگران باشد، همچنان از مطالبات اصلی برای جنبش کارگری میهن ما است. آخرین لایحه قانون کار اسلامی، علیرغم عقب نشینی های محسوس که نسبت به مواج گذشته رژیم داشته، اما با لحاظ نقض اساسی ترین وجوه حقوق کارگرمیهن ما و امنیت شغلی، حق تشکیل مستقل و حق اعتصاب قانونی است. ضد دمکراتیک، علاوه بر آن، آنچه که در رابطه با حقوق ویژه زنان کارگر، در این لایحه نقض شده، عبارتست از:

- واگذاری کردن امر بازرسی و نظارت بر اجزای مقررات مربوط به شرایط کار، متعلقه اشتغال زنان و کارگران نوجوان بعهده دوا بر حفاظت نسبی و بهداشت حرفه ای وزارت کار (ماده ۹۸).
- در این لایحه نقض نمایندگان کارگران یعنی تشکلهای مستقل کارگری نه تنها در تدوین قانون بلکه در نظارت بر روند اجرای آن نیز نقض شده است.
- اجتناب "دوران مرخصی با دراز از زنان کارگر بعنوان سابقه کار". به تاخیر زنان تا میسر اجتماعی شروط شده است. حال آنکه این حق بدینی و مسلم باید قطع نظر از تاخیر در سازمان منبر و در هر رگان و مقام دیگری برسمیت شناخته شود.
- اصل دریافت مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان، در ماده ۲۸ این لایحه مخدوش شده است. این لایحه بجای کار مساوی، "شرایط مساوی کار" را قرار داده و لذا برای نادیده گرفتن معافیت ها و حقوق ویژه زنان کارگرمیهن ما در حقوق نا زلزله آنان به بیجا نه تا برابر بودن شرایط کار، راه را باز گذاشته است. معافاتی که تشخیص شرایط کناره استناد دارد، طبق مفاد این لایحه صرفاً بینه موسسات متکا ورفنی و "اشخاصی صاحب صلاحیت" است و تشکلهای کارگری نقضی در تشخیص آن ندارند.
- در ماده ۷۶ کارشانه برای زنان چندان مور پیدا شتی، در مانی، فرهنگی و نظایر آنها "ممنوع اعلام شده" اما صلاحیت تشخیص نوع و ضرورت کسب شغل "درمواد" تنها با وزارت کار است و طبق معمول تشکلهای کارگری نقضی بعهده ندارند.
- سقف سنی بازنشستگی در لایحه قانون کار

اسلامی سکوت گذاشته شده است. و بالاخره، طبق ماده ۷۹، تنها کارفرمایان واحدهای که مادران بیش از ۱۰ کودک در آنها کار می کنند، ملزم به ایجاد "مطبخ برای نگهداری کودکان" شده اند. بدیهی است که کودکان کارگران نه به مطبخ برای نگهداری بلکه به شیرخوارگاهها و کودکستانهایی با امکانات رفاهی، تربیتی و بهداشتی لازم احتیاج دارند. رژیم با این گونه طرحها راه را برای ادامه سیاسی که محرومیت زنان کارگرمیهن ما محرومیت کودکان شان محسوب می دهد، کاملاً باز گذاشته است.

خواست ایجاد مهدکودک که شرط ادامه کار زنان کارگرمیهن ما است که به خواست میهن آنان تبدیل شده است. در شرایط نبود تشکلهای مستقل کارگری، زنان کارگرمیهن ما اقدام متشکل در رابطه با خواسته های صنفی خود از جمله مهدکودک اقدام به تشکیل هیات های ویژه ای چون شورای مادران کرده اند و این کمیته متشکل درجهت مبارزه متشکل برای تامین حقوق صنفی است. کارگران زن باید با جدیت بیشتر به این کمیته متشکل دران کارگرمیهن ما در جهت تامین حقوق صنفی و ویژه شان برای ایجاد و تحکیم هسته های محلی کارگری و فدرالتر آن، تشکلهای توده ای و مستقل کارگری و تامین حقوق کار و تامین اجتماعی زنان کارگران مبارزه کنند.

زنان ایران در شرایط چینی جنگ، گرامی کمرنگ، بیگاری و اجاقیات قرون وسطائی رژیم، همواره نقش موثری در مبارزه و رزمیتشان ایمن علیه رژیم جمهوری اسلامی ایفا کرده اند. زنان کارگرمیهن ما به متشکل ترین و بیگرمترین بخش جنبش زنان ایران، علاوه بر شمار در برابر اجاقیات، ستم زن بودن در جامعه اسلامی ایران را نیز با گوشت و پوست خود می کنند. آنها در مبارزه علیه حجاب اجباری و قندوبندی، "شرعی" دیگر در محیط کار، علیه سیاست جنگی رژیم در واحدها، تجدید حق کار زنان و مبارزه علیه خفان و کنترول پلیسی در کارخانجات و... بعنوان بخش کارگری جنبش دمکراتیک زنان ایران نیز، نقش ویژه ای دارند. کارگران زن با بدفعات ترین متادبان سازماندهندگان تشکلهای دمکراتیک زنان با شد و مبارزه علیه تحمیلات ارتجاعی رژیم راه چار دیواری کارخانجات محدود و گندند.

کارگران پیشرو به ویژه کارگران پیشرو نباید توده زنان کارگر را با وظایفی که در جنبش توده ای طبقه کارگر در مقابل جنبش عمومی خلق، به ویژه جنبش دمکراتیک زنان ایران دارند آشنا کرده و آنان را به ایفای نقش هر چه موثرتر در این مبارزه هدایت کنند. زنان کارگرمیهن ما دوشا دوش برادران خود در راه ایجاد تشکلهای صنفی مستقل کارگری و مقدم بر آن، برای ایجاد و تحکیم هسته های محلی کارگرمیهن ما مبارزه کنند. این مبارزه نه تنها با تقویت هیات ها و تشکلهای صنفی جنبی نظیر "شورای مادران" میسر نیست بلکه ما من اصلی شریخی این فعالیتها است. کارگران پیشرو، به ویژه کارگران پیشرو، باید ضمن شرکت فعال در سازماندهی مبارزات توده ای زنان کارگرمیهن ما با ندادن حقوق و وظایف طبقاتی آنان، وظایف دمکراتیک آنان در مقابل جنبش دمکراتیک زنان ایران و مبارزه همه قشار و طبقات خلق را مورد تأکید قرار دهند. کارگران پیشرو و فعالین سازمان باید زنان کارگرمیهن ما را به صفوف رهنمودهای سازمان آگاه کرده و آنان را به صفوف سازمان پیشاهنگ خود جلب کنند. باید ضمن افشای بیگبیرانه ظاهرستم سرمایه داری علیه زنان، توده زنان را به این حقیقت آگاه کنند که تنها دروسیالیزم رهاشی قطعی زنان میسر می گردد.

زنان مبارز ایران!
تمام حقوق و آزادیهای شما از سوی رژیم فقیها با اعمال می شود.
رژیم خمینی حیثیت زن ایرانی را لگدمال می کند.
به تحمیلات ارتجاعی تن ندهید، علیه بیهن تشیعفات و وظایف مبارزه کنید!
متحد شوید و برای کسب حقوق و آزادیهای خود در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بزمید.
سازمان نداشتان خلق ایران (اکثریت)

برقرار باد برابری حقوق زنان با مردان

تحویل حجاب، تحمیل بردگی

رژیم جمهوری اسلامی که طی سال‌های حکومتش ابتدا بی‌ترین حقوق زنان را به خشن‌ترین شکل زیر پا نهاد، است، در سال گذشته نقشه‌های جدیدی برای تحمیل حجاب عرضه داشت که بر اساس آن اخراج‌زبانان از مراکز کار و تحصیل و ایجاد زندان مخصوص برای زنانی که تسلیم تحمیلات قرون وسطایی رژیم نمی‌شوند، در دستور قرار گرفت. به‌شکلی و شورای عالی قضایی طرحی تصویب و به اجرا گذاشته شده که زنان با مصلح به حجاب را به راه‌دهوگا‌هایی برای بازسازی و آموزش اعزام می‌کنند، علاوه بر آن رفسنجانی در نماز جمعه تهران، در تابلو بزرگ "لیحه‌ای" به مجلس فرستاده شده که تابلو است. شونبات اسلامی را رعایت نمی‌کنند از آزارات اخراج شوند. همچنین کارگران رژیم کوشش می‌کنند تولید و فروش لباسها را در خارج از مرزهای اسلامی مورد نظر خود محدود کنند. هدف این تلاش‌ها هم تحمیل اندیشه‌های قرون وسطایی به زنان ایران است. آخوندخاندان‌های دردی‌ناز و عاقل تهران گفت: "قانون جدیدی جهت مصداق‌های موال اشخاصی و توقیف فرومگا‌هایی که عرضه‌کننده لباسهای زنده هستند، به‌زودی تقدیم مجلس می‌شود" و اضافه کرد: "تجربیات مربوط به آن تعیین شده است. این منطبق با اهداف رژیم است. موهن‌ترین تحقیرها نسبت به زن ایرانی است حکم می‌کنند که بعد از این فروش جرح خیاطی و دوخت و دوخت منازل نیز کنترل شود تا برحسب مورد نظر در هیچ کجا تک‌افتادگی معنوی زنان ایران در راستا نه‌فقرن ۲۱ در مدارس جاهل و خرافانه درهم بیچیده شود. این نقشه‌های آخوندی همزمان با اعمال قهر و حشانه بر زنان که در مقابل تحمیلات ارتجاعی استادگی می‌کنند، طرح‌ریزی شده است هم‌زمان با این تدابیر در همه شهرهای ایران بطور وسیع مراکز تولید و فروش لباسهای الوان و وسایل ورزشی زنان تعطیل و زنان بجرم نقش دار بودن لباسها به‌شاناسی شده و می‌شوند و حمله به آرایشگاه‌های زنان و دستگیری کارکنان آنها توسط کمیته‌های انقلاب اسلامی جریان دارد. بطور مثال به گفته مطبوعات رسمی رژیم "در یک زمان معینی به‌خواج‌احد تولید لباس زنان در سطح تهران تعطیل شدند. پوشیده نیست که مبنای ایده‌نولوژیک معینی راه‌های عقل‌سازان جمهوری اسلامی در تحمیل حجاب به زنان ایران است. از جمله رفسنجانی در نماز جمعه تهران، از موضوع تحمیل حجاب به زنان ایران به سوره احزاب آیه ۵۹ استناد کرده که در آن اینطور آمده: "ای‌ها سرب‌سره همسران و دخترانت و به‌زنان مومن بگو که جلبا بشان را به خوش‌تردید با زنند. این تکلیف برای اینکه شناخته‌نشوند مورد آزار و آزار قرار بگیرند به‌تر است". مترجمین حاکم بر کشور ما با همان نگاه آزار به‌بدنی به‌زنان مبین می‌نگرند که زنان و دختران را موجودات نیست می‌شمرند، بلکه آزار آنها می‌رود خندان آنجا که به‌دفع کردن زنده زنده نوزاد قبایل دختران خود دست می‌زدند، خطرات عمیقاً ارتجاعی این نگرش زمانی که به نتایج عملی آن در حیات فردی و اجتماعی زنان ایران اشکال‌ه کشید، آشکار تر و خشن‌تر می‌نماید.

از دیدگاه رژیم مرتجع ایران اصل‌ت‌رن یا میزان نقشی که در خطه‌های فرا هم آوردن اسباب "راحتی و آسایش" برده‌های می‌وردند نتیجه می‌شود، بر آحتی و آسایش نیز از نظر آقایان معنای خاصی خود را دارد که منزلت‌ها زن به‌منابه‌کنیز مطبخی جود کوانی است. مساله اصلی، تنگی‌زن به‌خواج‌اشتهای شیوانی مرد است. طبق منطبق با لوس وریا آخوندهای حاکم بر اعمش و عشرت مردم‌لام است که زن پوشیده و ترونا ز بافتی باشد. حجاب از نظر حاکم ایران اساساً از همین زاویه موردت‌ا کیداسته‌دلیل روشن‌اشتهای رات و قبحا‌ست رفسنجانی در نماز جمعه تهران در دفاع از رفسنجانی در کشور است. برپا به همین دیدگاه است که رژیم جمهوری اسلامی صیغه و مقدم وقت را که چیزی جز آشتا عسر می‌فشانند در کشور نیست تا این پایه که اکنون ما هم در کشور رواج می‌دهد. اکنون نیتا خانواده در زمین‌مادر معرض تهدید جدی قرار گرفته است. آمار پلاک، به موجب اظهار رسمی مقامات به‌تجو سوام‌آوری بالا رفته‌است. بنسبت از دواج دختران، حقوق نابرابر در انتخاب همسر، تفویض حق طلاق بکطرف به‌سپرد، تقدیس تعدد زوجات، سلب حق انت فرزندان زماران، همه و همه برای تحقق عملي اندیشه ارتجاعی است که زن را تنها به مفهوم کنیزخانه و اسباب عیش و عشرت مرد درک می‌کند.

سران جمهوری اسلامی تا آنجا که می‌توانستند می‌پندوکد ها و شیرخوارگاه‌ها را بستند و تعطیل کردند. آشخوار این اقدام نیز همان ایده‌نولوژی و همان دیدگاه‌ها است که در بالا ذکر شد. تمام مایه پوشیده و آشکار، قانونی و غیرقانونی برای اخراج زنان از محیط‌های کار و تحصیل نیز از پادشاهی‌های دیگرتست که زنان کشور را از عرصه فعالیت اجتماعی و اقتصادی به کنج خانه‌ها رانده و می‌راند، در ریسک

۸ مارس، روز جهانی زن بر زنان میهنان گرامی باد!



کلام می‌توان از روی واقعات و پرشمار نتیجه‌گرفت که تحمیل حجاب به‌زنان کشور جریه ارتجاعی حاکم‌سیر کشور برای محروم ساختن زنان ایران از حقوق اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی‌شان است. تحمیل حجاب وسیله‌ایست که با توسل به آن رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشد زنان را از فعالیت اجتماعی و سیاسی بازداشته و از بنطن جامعه به کنج خانه‌ها براند.

تحمیل حجاب در عین حال به معنی سلب استبداد بی‌ترین حقوق انسان یعنی حق انتخاب پوشش از زنان است. مبارزه با تحمیل حجاب یکی از عرصه‌های پسر اهمیت مبارزه جنبش دمکراتیک زنان ایران در راه برابری حقوق می‌باشد. با این‌وجود اگر در گذشته علبه حجاب تحمیلی را در تمام ابعاد فردی و اجتماعی آن گسترش داد، گسترش مبارزه علیه حجاب تحمیلی از این‌رو نیز خارج‌تر است که بطور تفکیک‌ناپذیری با نیتا‌دهای ایده‌نولوژیک حکومت فقها ارتباط پیدا می‌کنند و مستقیماً مناره‌ها سیاسی علیه رژیم ولایت فقیه است.

مبارزه خانواده‌های

زندانیان سیاسی را گسترش دهیم

دهها هزارتن از بهترین فرزندان مردم ایران در زندان رژیم خمینی‌اند و با آنکه موج سرکوب هر روز بر عده زندانیان سیاسی افزوده می‌شود. اکنون در میهن بلاکشیده ما هزاران پدر، مادر، خواهر، برادر و همسر نگران جان عزیزان خویشند. آنها در زندان یکی‌است و دشمن مشترکی دارند. تجربه نشان داده‌است که اگر به خانواده‌های زندانیان سیاسی دست ندرت‌هم به دفعه از عزیزان در بند خود سربازند، می‌توانند در اوضاع رژیم، بهبودی را به‌زیست و بیگانه‌ها را تقلیل دهند و تقویت جنبش زندانیان در رژیم نقش موثرتری ایفا کنند.

فعالیت ما در این همسران و خواهران زندانیان سیاسی در حیات از اعصاب غذای اخیر زندانیان سیاسی در اوین و گوهردشت، بیگانه‌دگرگشت مؤثر آنها را در فعالیتات رژیم و گسترش جنبش همسنگی باز زندانیان سیاسی باز نمود. خبراً اعتماد همسنگی اولین بار توسط خانواده‌ها انتشار یافت و بعداً فاش شده و جمعی آنها به بی‌پروزی اعتماد غذا کمک کرد. خانواده‌های زندانیان سیاسی به‌خاطر داشتن نسبت خانوادگی با انقلابیون، از موقعیتی برخوردارند که وظایف ویژه‌ای در مقابل انقلابیون در بند و نیز جنبش زندانیان مردم به‌دوش آنها است. آسمان انقلابیون به‌بنا و راهی مردمی خویش، سرچشمه مقاومت و جان‌نیازی آنهاست و در عین حال آنجا که اندیشه و انگیزه مبارزه آنها وضع دشواری که برای خود خانواده‌ها باشد، آنجا در کرده‌اند از سوی سنگان زندان درک می‌شود. مساله روحیه با لائری و مقاومت در برابر رژیم آذکسه می‌دهند. علاوه بر خانواده‌های زندانیان سیاسی نقش مهمی در بریدن اخبار جنبش زندانیان به‌زندان‌نیمسا و انتقال اخبار حیات رژیم به‌سیرون از زندان‌انفاه می‌کنند.

همایش بین‌المللی ...

بقیه از صفحه ۱۲
واقعات کشورهای سوسیالیستی با رخ به‌ضرورتی است که وجدان بیدار بشری آن را می‌طلبد. در مقابل اقلیتی ناچیز به سرکردگی محافل میلتناریستی امپریالیسم آمریکا در مقابل این خیل عظیم هر روز گشوده‌ای از جهان را به خاک و خون می‌کشد. به‌انفجارات بی‌دردی اتمی دست می‌زند و بی‌ترتا به انتقال سلاح اتمی به‌فضا و ادامه جنگ و تشنج در نقاط مختلف جهسان را دنبال می‌کند. شرکت‌کنندگان با انجام معا‌جبه‌ها و برگرزای کنفرانس‌های جنبی و مطبوعاتی تلاش‌هایی را که تا کنون صورت گرفته و وظایف و مسئولیت‌ها می‌کند هم‌زمان و شخصیت‌های کشورهای مختلف و همه مردم ملحدوست سرسرجان در این راه‌داران داده‌ورگرزیدند و همگان را به انجام تعهدات با رخ مثبت و مسئولانه به این نژادی برجی شریک یعنی حق زیستن" فـرـا خواندند. آنها کشورهای دارای سلاح‌های اتمی را به قطع آزمایشات هسته‌ای و نابود کردن زرادخانه‌های اتمی دعوت نمودند، آنها گفتند که باید فعالیت‌های کیهانی به زرادخانه‌دگرگری تبدیل شود.

با جمع‌آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

وظیفه همه ما است که با تقویت پیوندهای مردمی و خودبا‌مداران همسران، و خواهران زندانیان سیاسی در این عرصه فعال تر شویم. رشد و گسترش این بخش مهم از جنبش دمکراتیک زنان ایران نیازمند رسالتی است. با حفظ رابطه با خانواده‌ها در حل مشکلات زندگی‌شان بکوشیم. با خازر زندانیان و فعالیتات خانواده‌ها را به‌سازمان رسانده و با جلب حمایت توده‌های از مبارزه‌ها، اعتراضات جمعی خانواده‌ها برای دفاع از انقلابیون در بند را سازمان دهیم و راه‌شان با مراکز بین‌المللی را به آنها بنمایانیم. رژیم می‌کوشد با تهدید خانواده‌ها دستگیری‌های جدید را ز مردم مخفی نگه‌دارد. با استفاده از دستگیری‌ها نشان‌دهنده شدت سرکوب است. به ما در این همسران و خواهران زندانیان سیاسی با کمک هر درگاه دستگیری عزیزان‌شان را از مردم مخفی‌کنند، دربارا شخصیت انقلابی و آزادی‌های مردمی عزیزان در بند خود را مورد گفتگو کنند و ما بین ترمیم نقش فعال و موثرتری در اوضاع حیات رژیم در میان مردم برپه‌ده‌گیرند. لیخندی که بعد از چندین‌چهره مصمم در خواج‌سرت همسران و برچیره اومی‌شوند، سرچشمه شدت بیشتر و در مقابل و منتهای بعدی است. بستگان زندانیان سیاسی با پیدا‌هیت تقویت روحیه عزیزان‌شان را در تمام ابعاد آن درک کنند. به‌ویژه نیتا با خاطر بردگه رژیم برای قطع رابطه انقلابیون با جنبش توده‌ای آنها را با سایر توده‌ها انتقال با اخبار جنبش حقایق مربوط به ما زوات توده‌ها به‌بسته زندانیان سیاسی از اهمیت بزرگ برخوردار است. برخی از زندانیان سیاسی بان‌آوران خانواده‌های خویش بوده‌اند که مالی به این خانواده‌ها امروز هم یک وظیفه‌انسانی و هم یک وظیفه انقلابی است. خانواده‌های که از شهرت‌نیا برای ملاقات عزیزان‌شان می‌یابند، با مشکلات اقتصادی وقت روبرو هستند و به کمک خانواده‌های دیگر احتیاج دارند. خانواده انقلابیون شهید و شهیدای انقلاب دین بزرگی به‌گذران جنبش انقلابی ایران دارند. خانواده‌ها را به تقویت پیوند با آنها و استفاده از رفتارشان در مبارزه خویش با‌بسته تشویق نمود.

خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌دانند که در میهن ما هر کس به‌نوعی رنج می‌برد، جنگ‌هستی و امید زندگی مردم را به بیخا برده، می‌خامنی، بیگسنگاری و گرامی‌بندگی را یکم از خمینگان تلخ کرده، و شمار وسیعی از خانواده‌ها را در ماتسم عزیزان‌شان نشان نیتا نده‌است. خانواده‌های زندانیان سیاسی با‌بسته درک کنند که دردها نیتا در دنیا نده‌است که در جنگ عزیزان‌شان را از دست داده‌اند، بیگانه‌ت‌بسته و بی‌وزنه زیندند و بیگانه‌ت عزیزان‌شان به‌جرم دست‌اف‌از خواج‌اشتهای عادلانه همین مردم، به‌خاطر صلح، کنار آزادی و سعادت آنها به‌زندان افتاده‌اند. با‌بسته سنگان زندانیان سیاسی را به تقویت پیوندی مردم با خانواده‌های شهدا و وارگان جنگ و شرکت در مبارزات آنها و جلب حمایت آنها از مبارزات خود فراخوانند.

در راه‌ها با ن دادن به‌تکجه و اعدام، در راه آزادی زندانیان سیاسی، این فرزندان با کباخته خلق متحدانه و با تمام توان بیگانه‌رکنیم.

منتشر شد

جلد اول کتاب "مقاومت" منتشر شد. این کتاب مبارزات کمونیست‌ها و دیگر نیروهای فدائیان است. آلمان زادگاه سالهای ۱۹۳۵-۱۹۳۳، دوران قدرت گیری فاشیسم نشان می‌دهد. "مقاومت" توسط پرفسور کلاوس ما‌ماخ دانشمند مورخ آلمان دموکراتیک گردآوری شده است. این کتاب گنجینه‌ای از تجارب مستند و مشخص نبرد قهرمانانه و انقلابی کمونیست‌های آلمان در شرایط مخفی علیه فاشیسم هیتلری است. هدف از ترجمه و انتشار این کتاب آشنایی مبارزین و انقلابیون میهنان با تجارب مبارزه مخفی در شرایط فاشستی است.

از انتشارات سازمان:

- ۱- آموزش‌های انقلاب و سوسیالیسم شماره ۱۱
- ۲- آموزش‌های انقلاب و سوسیالیسم شماره ۱۲
- ۳- گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی توسط رفیق منخاسیل گاریاچف به‌بیت و همتیمن کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۴- کتاب "مقاومت" گردآوری: کلاوس ما‌ماخ
- ۵- تاکتیک "نفوذ" و راه‌های مقابله با آن جزوه اول از مجموعه آموزش‌های از فن مبارزه با پلیس سیاسی
- ۶- درباره ارتباط‌های سازمانی جزوه دوم از مجموعه آموزش‌های از فن مبارزه با پلیس سیاسی

زنان ایران به حجاب تحمیلی رژیم تن ندهید!

از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر

امروزه توجه پیگیر به تلاش نظری و عملی سترگی که احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، این سازندگان بالفعل جامعه نوین، سترای یافتن راه های نوین و هرچه موشکافتر و موشکافتر سوسیالیسم را کردن زبان کمونیستها برای توضیح واقعیهای جهان ما انجام میدهند، وظیفه جدی هر حزب و هر کمونیست است. آنچه را ما فردا در کشور خود میسازیم، امروز در کشورهای سوسیالیستی در حال ساختن است. هر آزمایش، هر تجربه، هر بحث و نظر و هر تئوری که به امر ساختن سوسیالیسم و حل مشکلات نظری و عملی آن بر میگیرد، بر پایه وظیفه انقلابی ما، و به خاطر آنچه میخواهیم در کشورمان بسازیم و به خاطر شرکت موثر در پیشروی و تکوینی روند انقلاب و نوسازی جهان، باید بیدار و بیدار توجیه مآثرات گیرد و برگزیند تا دشمنان بیافزاید.

امروزه آن تحولاتی که در اتحاد شوروی میگذرد، توسط رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی دارای خصلت انقلابی ارزیابی میشود. مسأله

نیز میتوانیم به گواه مجموع مسایل طرح شده این تحولات را، هم به لحاظ تاثیر آنها در خود اتحاد شوروی و هم به لحاظ تاثیر عمومی برشان انقلابی بنامیم. به موازات این تحولات در اتحاد شوروی و با بهره گیری از تجربیات آن، تحولات جدی در تعداد دیگری از کشورهای سوسیالیستی مشاهده میگردد. امروزه میتوان در اغلب بلشویک ها و کنگره های احزاب برادر و بطور مشخص در احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی مسایل نسو و الهام بخشی یافت. سازمان مانیز برای شرکت موثر در این کارزار و بهره مندی بیشتر و به روشنه و خلاقانه از این اندیشه ها و آرزوئها، کوششهای خود را گسترش میدهد. نشریه کارخانه کوشید تا در تمام مکان بجزیره روشنی بسوی حرکت احزاب برادر و بسوی مسایل نوین مطروحه در جنبش کمونیستی و کارگری بگشاید. در این راستا منعکس کردن دستاوردهای بلشویک ها، کنگره آنها و کنگره های احزاب برادر و تحولات این کشورها اهمیت بیشتراز همه دارد. انجام چنین وظیفه ای از سوی نشریه کار، به امر تدارک کنگره ما، شکوفایی و غنای بحث ها در جنبش کمونیستی ایران یاری میرساند.

بلنوم زانویه: گام نوین در نوسازی

هفتاد و دو سالگرد انقلاب دورا نسا زاکتبر برای مردم اتحاد شوروی با امید شورافزین و بارویدادی برجسته آغاز گردید و بر تارک آن این کلمات حکم گردید: انقلاب ادامه دارد! اتحاد و انقلاب در کنارش میخائیل کارباچف و در بیانها تا سخنران و در روح و فانی بلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در بهمن ماه (۲۷ تیر) برگزید، گردید، تجلی و نمود یافت. بلنوم به با رنگینی شجاعانه فرایندهای گذشته و به پدیده های منفی و بیگانه از سوسیالیسم نشست. خصلت انقلابی نوسازی را تبیین کرد و بر تئوری روشن برآینده افکند. بلنوم زانویه گامی بلند در مسیر تحول انقلابی بود که در اتحاد شوروی از مدت قبل آغاز شده است. بلنوم آوریل و بیست و هفتمین کنگره، کلاس بنا تا کدیر دستاوردهای سترگ سوسیالیسم، به تحلیل نقادانه خطاها و پدیده های منفی برداشت و تصمیمات تاریخی اتخاذ نمود. بعد از کنگره نوسازی به شمار روز تبدیل گردید. شماری که ما هیت تحولات در اتحاد شوروی را منعکس می کرد. با گام گذاردن جامعه در روند نوسازی، نبردی بیوقفه بین نوبا که نه انقلابی با محافظه کار در مقام و وجه زندگی اجتماعی عریبان گشته و شدت یافت. بر اثر نوسازی، تحولات مهمی در جامعه شوروی جاری گشت و روندهای مثبت نیرو گرفت و تحولات مثبت در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اخلاقی و در سبوه های کار پدید آمد. نوسازی این وجود به گفته میخائیل کارباچف: "مربوسازی دشوار و زحمت و عمل و پدیده های مسائل روی هم انباشته شده در جامعه، عمیق تر از آنچه که در گذشته تصور می شد از کار آمده است."

دبا لکتیک نیروهای محرکه و تفاهای آن و وضعیت واقعی جامعه به موضوع پژوهش های عمیق علمی تبدیل نشدن.

"تصویرات سطحی پیرامون کمونیسم، غیب گوئی های گوناگون و افکار تجریدی رواج معینی پیدا کرده بود. وضعیت تشویریک بر حل مسائل عملی تا تئوری منفی می گذاشت. در طول دهه ها در برابر آمارها مور اقتصادی و مدیریت، شیوه های منسوخ حفظ می گردید و بر عکس، برخی اشکال اقتصادی شمرخشی بی دلیل منفی می شد. تولید و انگیزش کار در اساس متوجه رشد کتی و اکتسابی بود."

"تا راستی های جدی در پرورش ایده های سیاسی در بسیاری موارد با برگزاری بر تاهما و تشریفات رسمی و جشن گرفتن مناسبت های بی شمار، جسد هر مرکز و گروه در دیگر نقاط استنار می شد. جهان واقعیت های فاعله می گرفتند."

"موردی عتانی نسبت به قوانین، کلاه برداری و ارتش و تشویریک جالبی و مجرک و تشویریک تا تشویریک هلاکت باری بر فضای اخلاقی در جامعه جای می گذاشت"

میخائیل کارباچف در جمع بندی این روندها می گوید: "این همه، گواهاست که واقعیت و عرصه های مختلف جامعه ما تا چه اندازه وخیم بوده است و تحولات عمیق تا چه اندازه ضروری."

"سأله تسریع رشد و تحولات اجتماعی اقتصادی کشور و نوسازی هم در این شرایط مطرح شد. در واقع صحبت بر سر تحول و پدید آمدن است با خصلت انقلابی. راه دیگری وجود ندارد، نباید عقب نشینی نمود و جایی هم برای عقب نشینی نماند. ما موظف هستیم خط منی بلشویک و ریل (۱۹۸۵) و کنگره ۲۲ را پیگیری کنیم و بلاخره افکار جامعه عمل بیوشانیم، به پیش برویم و جامعه را به سطح کیفیتا جدید رشد و تحولات برسانیم."

مضمون نوسازی، در گزارش به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و گفته می شود: "دفترسیا می تقدیم است که: نوسازی عبارت است از غلبه قاطع بر فرآیندهای رکود، درهم شکستن مکانیسم ترس، ایجاد مکانیسم مطمئن و موثر تسریع رشد و تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی. ایده اصلی استراتژی ما اینست: تسریع دستاوردهای انقلاب علمی - فنی با اقتصادیا برنامه و راه عمل کردن تمام ظرفیت سوسیالیسم است."

"هدف گشی نوسازی عبارتست از نوکردن تمام جوانب حیات گشوی، تجهیز سوسیالیسم به انویزترین اشکال سازماندهی اجتماعی و آنگار کردن هر چه که ملتر خصلت بشردستانه این نظام در تاهمی و وجهه اصلی آن یعنی در وجود اقتصادیا، اجتماعی سیاسی و اخلاقی."

جامعه در حال دمکراتیزه شدن است. زندگی سازمانهای حزبی بر پایه تئوری می شود، علمیت، انتقاد و انتقاد از خود گسترش می یابد، و مسائل ارتباط جمعی فعالانه عمل می کنند و سازمان های جدید جمعی تشکیل می شود، مشارکت زحمتکش در امور اجتماعیا و اداره امور کشور افزایش می یابد."

گزارش به عرصه های مختلف گسترش دمکراسی سوسیالیستی پرداخته و می گوید: "مهمترین مسئله رشد و تکامل دمکراسی در تئوری، به پیشبرد انتخابی بودن رهبران کارخانه ها، کارگاه ها، شیوه های بخش ها، موسسات و دامپور و تئوری انتخابی بود. استادکاران و سرپرستان بر یکا ده است. گذار به شیوه های نوین اداره امور اقتصاد، خودکفا نشی، خوداتکائی مالی و تامین هزینه ها این مسئله را به حیطة عمل می کشاند."

در مورد تکامل سیستم انتخابی در گزارش گفته می شود: "دفترسیا می تکامل سیستم انتخابی تئوری را سالی اولی دمکراتیزاسیون میداند. مکانیسم کنونی این سیستم، شکل گیری شوراها و نما بندگی دمکراتیک تما می اقتضای راه های نوین شوراها را تا بین می کند. اما ما نهادنما می نهادهای سیاسی اقتصادی، سیستم انتخابی تئوری توان اندر اکند. بنا بنودا فرآیندهای مربوط به نوسازی میرا با شد. صاله در دست کبیره به انتخاب کننده ا مکان داده شود نظر خود را نسبت به تعداد دبیشتری از نمازدها بیان کند و یک رشته عنا صر فرمالیستی از تشریفات را فکیری زده شود."

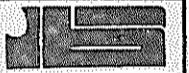
در گزارش تا کیدی می شود: "دمکراسی واقعی در خارج ویا در دروازی قانون وجودندار مطابق رهنمودهای کنگره ۲۲، کار عظیمی در جهت تهیه و تصویب قوانین جدید در رابطه با رشد و تحولات اقتصادی و فرهنگی و خودگردانی سوسیالیستی و در رابطه با گسترش حقوق آزادی های شهروندان در پیش است. تا کیدی می شود که دمکراسی سوسیالیستی به چه اشتراکی با خودکامگی آنارشی و بی مسئولیتی ندارد."

دبیرکل ج. ک. ا. ش در مورد سیاست حزب نسبت به کار درها گفت: "مروز مهمترین وظیفه تکامل سیاست کار در است. باید این سیاست را واقعا امروزی کرد، فعال تر و هدفمند تر و خودبسته گونه ای تنگ تنگ بنا راستا های کلیدی مبارزه در راه تسریع رشد و تحولات اجتماعی - اقتصادی بیوندداد. برخورد کار درها به نوسازی، آن همه در خرف بلکه در عمل، در چمک ملاک قطعی سیاست کار در و به عنوان میزان این سیاست است. سیمای اخلاقی و صلاحیت کارکنان، تخصص بالای حرفه ای آنها، آشتی پذیری شان با تاراستیها، کهنه پرستی، بی تفاوتی و بی فعالیت و بی بندی انسان به هر آنچه که بی ضرورتی است در شرایط کنونی از اهمیت عظیمی برخوردار می گردد."

"تعمیق نوسازی در جامعه معنای آزادی کار حزب و کار درهای آن در تاهمی سطح، از کمیته مرکزی تا سازمانهای اولیه است. این مره معنای درک خلاق و اجرای بیگنرا صول و موازین لئینی زندگی حزبی در تمام حلقه ها است."

بلنوم در فضای سازنده به بحث و بررسی مسائل حاد و پیرامونی پرداخت که در گزارش مطرح شده بود. درپ این میخائیل کارباچف گزارش ج. ک. ا. ش تا کید کرد: "حال که گفتگورا به پایان رساندیم باید تصمیم بگیریم. طبیعی است این سؤال طرح شود: آیا بلنوم ما توقع کمونیست ها و مردم شوروی را برآورده می سازد؟ این سؤال چگونه با پدیده ها سازگار است؟ دقیق ترین معیارها، این بلنوم رویداد سیاسی بزرگی در حیات ج. ک. ا. ش است که می شود: "فکر می کنیم با اطمینان می توان گفت که بلنوم، حزب کشور و تمام جامعه را در راه نوسازی به پیش می راند. اما شرط حتمی آن که اهمیت بلنوم یگانه ای تمام عیار را هر گردان است که دفترسیا کمیته مرکزی، کمیته های مرکزی احزاب کمونیست جمهوری های متحده، کمیته های منطقه ای، ایالتی و

زنده باد سوسیالیسم



ما استاد ایم

بیرون بلول، چشمایم را بستند، وقتی که نسیم خنک را روی صورت ورم کرده ام احساس کردم، فهمیدم که از ساختمان بیرون آمده ایم. نمی دانستم که بیست و یک سالگی من با سرزمین ما و همگیان این لحظه ها، لرزه ای ناگهانی بر تمام بدنم افتاد. سه درون اتوموبیلی حالم دادند. دوتفریادار مسلح در کنارم نشستند. ماشین در جاده اسفلت و آسفالت ناهموار و پر دست اندازی شده پس از حدود یک ساعت توقف کردیم. چشم بند را باز کردند، وقتی که چشم هایم به نور عادت کرده فهمیدم که در بیابانهای اطراف تهران رسیده ایم. برای چند لحظه قلمی تیشی غیر عادی را آتاز کردم. قلمش را به دستم گرفتم. در میان آنرا از زندانیان را در همین بیابانها سربسته نیست کرده اند.

مرا کجا می برید؟
یکی زیبا ساراها با خنده گفت: بر اون دنیا، وصیتی نداری؟
همه جا ساکت بود. فقط صدای آرام باد به گوش می رسید که وقتی به خاروشا خاک بیابان می پیچید، مثل روزه ای محزون بود. آنچه که در اطراف بود را با نگاه می بینیدم و درود می گفتم. آسمان صاف صاف، بدون یک لکه ابری بود.
سراجه بفت. اگر هم سرعتل آمده، فقط دستبایت را با لایبر، حدود ۱۰ قدم پیش رفتیم. هر لحظه آماده بودیم که شلیک کنند. صدای گلنگدن مسلسل را شنیدیم. گام ها ست می شدند. کینه و نفرت از این جانوران هفت وجودم را فرا گرفته بود. گسور شدن در این بیابان بی نام و نشان هم دردناک بود. صدای زنگار، هوارا شکافتاها هم مثل شدن و بسته زمین افتاد. احساس می کردم که به نیستی غلتیده ام.

همه چیز در دوروبر ساکت بود ولی هنوز نفس من می کشیدم. صدای قهقهه دیوانه و آریکی از آنجا بلند شد. با لای سر می آمدند، بلندم کردند و به درون ماشین پرتاب کردند. دوباره از همان راهی که آمده بودیم، بر می گشتیم. خوشحال بودم که هنوز زنده ام و ولی خوشحال تر از این نمانت که دلبران استادگی کردم.
تمامی بیکانه گذشته، شکنجه و بازجویی شده بودم. ابتداء در کمیته خیابان فردوسی، بعد در زیر زمین یک خانه مخفی و سرانجام در اولین توسط "حامد ترک"، جلاد دیوانه ای که تا به حال چندین نفر را با دست های خود به قتل رسانده بود. مدارکی که از من داشتند، چند دقیقه از یک شماره "کار" و یک رادیو موج زاپی بود که یکی از خواستار من برای تعمیر به تهران آورده بود و او آنها معنی بودند که از ابزار پیچیده جاسوسی است.

بار دیگر روی مندی اتان بازجویی نشده بودم. همان سوالات آشنا بود، با بازجوی تازه ای به نام رحیمی.
ما که می دانیم تو چکاره هستی و چکاره ره سوده ای. نان جو که نخورده ایم. می فهمیم که دروغ می گویی. چرا ای افرادی را که با آنها تماس داشته ای نمی گویی؟

آنچه را که در همه بازجویی های گذشته گفته بودم، بار دیگر نوشتم: هوادار ساده سازمان هستم که نشربه می خریدم و می فروختم، مشولی ندا شتم. نشریات را هم یک نشریه نام حسین - که آدرس منزل من را داشت - برام می آورد.

پس از خواندن پاسخ ها، با عصیانیت گفتند: معلوم می شود که نمی خواهی راست بگویی، پس برو که شو. آنقدر در زندان بنگهت می دارم که استخوانهایت هم پیوسته. دیگر هم ترابه بازجویی نمی آورم، هنوز وقت خودت خوانی حرف بیزی، به برادرها بگو. آذرباه سال ۶۰ بود که به بلول فرستاده شد. منتقل شدم. اتانی ۵/۵/۵۲ بود که ۲۵ نفر را در آنجا داده بودند. جایی برای نشستن نبود. از کمبود هوا، غایب اناجا رفتگی نفس می شدم. برای نشستن با بدقت باها را در تنگ جمع می کردم و تازه این در حالی بود که عده ای که نوبت سرپا می ستاندند. غنای یک کرده نان سربازی خنک با خروشا گاهی پی می رسید. در این ماهها، شش بود که کمتر از ۱۰ نفر اعدام شدند. تیربارانها اکثر اوقات بند ۴ اوین قدیم صورت می گرفت. ما صدای رگبار و تیرباران خلاص را به وضوح می شنیدیم. با شمشیرهای خلاص می توانستیم تعداد تیرباران شده را بفهمیم. لاجوردی جلا، عده ای از زندانیان را برای تامل ای اعدام همزمان و جمع وری جنازه ها میان می بردند. بدین وسیله آنها را در هم می شکند. من تعداد زیادی از زندانیان را دیدم که در همین صحنه ها دیوانه شده بودند. یکی از آنها را شناختم و روزی با نجیبی در آنجا سندی می شنیدم. گاهی که به هوا خستگی می آمد، با نجیبی های می رسیدم و می گفتم: "ا شمشیر شب عروسی من است." در همین دوره بود که لاجوردی

دستور داده زندانیان برای رفتن به هوا خوری ده دقیقه ای سرود "حسینی ای امام" را می خوانند. با اعتراض و مقاومت و تحریم و تحریم و تحریم و تحریم سرود خوانی اجباری ملتی شد. در اوقاتها و سولولها، شش و انواع بیماریها پیدا می کرد.

به اعتقاد لاجوردی، زندانیان ۲۴ دسته بودند: جنس ها و منافقین، این جلا، بی برده می گفت که کمونیست ها دشمن اصلی ما هستند نه امریکسا. بایدنسل همه شان را از روی زمین کند.

پس از نزدیک به یک سال به سالن ۳ آموزشگاه منتقل شدم. این روزها مصاف با مصاحبه تلویزیونی تعدادی از زندامین و اعلام همکاری بود. اعلام کردند همه کسانی که همکاری می کنند، سخت در مانده بودم که چه کار کنم. در میان کسانی که توبه کرده بودند، لااقل ۲۰ نفره خوبی مرا می شناختند. سر آخر تصمیم گرفتم که نام را ننویسم. یا نمی فهمیدند و اگر هم می فهمیدند، مثل گذشته همه فعالیت های خود را انکار می کردم. خوشبختانه عده ام کسی به سراغم نیامد.

او خردی ماه ۶۱، ناگهان نام را بر سر ای بازجویی خواندند. رحیمی مثل تک هار، بیسارین می کرد. قیافه ای زورور مصیبت از حالت آدمیزاد خارج شده بود.

قلان فلان شده، تو علنا به ما دروغ می گویی و این جا مفت می خوری و می خوری. ما همه کارهای را که در منطقه کرده ای می دانیم. تو کارمند اجناسی آن منطقه بوده ای و یک کلمه هم نگفته ای. ایسین آخرین اطلاع را، اگر همه حرف های بازجویی خودم، تکه ای راهات می گفتم. کاغذ قلمی را به صورت پرتاب کرد و از اتاق خارج شد.
برای چند لحظه کج شده بودم صدای قلمی را می شنیدم. جای بخیه هایم تیر می کشید. یک لحظه گمان کردم که همه چیز را فهمیده اند، زیرا تا به حال نمی دانستند که در آن منطقه کار می کرده ام و در آنجا زندگی می کرده ام. بلند بلند با خودم حرف می زدم: آرام باش. یک بار دیگر همه چیز را مرور کن، خودت را نشانما.

ناگهان جبری در مغزم پیچید. اگر آنها از فعالیت های من در منطقه خبر داده باشند، پوست از کلام می کنند نه اینکه عنوان کنند که کارمند اجراحی بوده ام. به سرعت داستان را ختم و قلمتند با خط کج و کوله شروع به نوشتن کردم: سال ۵۹ سپاه به مردم اطلاعیه داد که شهر را تخلیه کنند. من هم همراه با خانواده ام به دهات اطراف شهر رفتم. بعد از این وقت بود که کارمندان باید به سر کارهایشان برگردند. ولی من مطلع نشده بودم، وقتی که با تاخیر به سرکار برگشتم، حکم اجراحی را به دستم دادند. بقیه داستان را هم، موبه مو مثل بازجویی های قبلی نوشتم.

چند ساعتی مضطرب و منتظر نشستم. بالاخره رحیمی آمد. کاغذ را گرفته به سرعت خواند و بی عطشی شروع به کتک زدن و بدویاره گفتن کرد. اما سرانجام پس از یک ساعت کوتاه آمد و مرا به اتاق فرستاد.

دشوار ترین روزهای زندگیم را با بازجویی ترین لحظه ها، تودریق تیرمانی گذراندم که همیشه نقشی عظیم در زندگی و مبارزه سیاسی بسیاری از زندانیان سیاسی این دوران داشت.
روزهای سخت بیمن، رفیق رضی الدین تا نان راه اتاق ما آوردند. رضی چهار روزیم ما در "کمیته مشترک" با چشم های بسته و در راهروهای بند، شکنجه و بازجویی شده و سینه ای اوین انتقال یافته بود. وقتی که نزد ما آمد، خونریزی معده داشت و تمام مفاصل و کمربند درد می کرد. با فضای محدودی که برای خواب نبود و دردی که در تمام بدن داشت، غالباً نمی توانست بخوابد. اما زخم های تن، جانش را در هم کشیده بود. طبرتم تکی نمی تابست. حرکت داشته باشد، همراه با ما و تا به آخر ورش می کرد. خنده و شادمانی اتان را سرشار از رضا کرده بود. با ابتکار او و کلاسی مختلف پزشکی، زبان و ریاضی به ما راه انداختیم. بافتن کیف و وسایع از جنس جوراب و زیر پیراهنی را به ما یاد داد که سرگرمش در تمام روزهای تنهایی در سلول بود. با دم نمی دو جانم سنگی زبانی را که یافته بود، باجه ذوق و علاقه ای برای هدیه به خانوادش به ملاقاتی می برد. برای نوروز ۶۲، تدارک جشن را خودش به عهده گرفت. با آنزری و شور و شادمانی، همه را به فعالیت واداشته بود. عیدان سال را همراه با این سبیل زندگانی و شادمانی، جشنی بزرگ در زندانیان کوچکمان - که همان اتان سالن ۳ آموزشگاه زندان اوین باشد - برگزار کردیم. رضی برایمان مشیتدی خواند، خندید، بازی کرد و در سایر برنامه ها شرکت

کرد. بچه ها از گروه های مختلف، انوربته اوربا جان و دل در بر خود با پلیس زندگانی در اتاق پذیرفته بودند. زیرا که در عمل او را زودمیه بودند.

بگروژ که به ملاقات رفته بود، با رفیق دیگری در اتاق ملاقات تماس گرفته بود. با ساراها گزارش داده بودند، چند دقیقه پس از آن یک برگشت، تعدادی از شکنجه گران با سر و صدا وارد اتاق مان شدند. بسا خوشونت هم را رویدو، اگر ندانند، ما مرضی را خواندند. گفتند که چند قدم به عقب بیاید، به صورت خواب و بپراهنی را در آورد، صدای آشنای سوت شلاق بلند شد. انگار دارنده پشت هر کدام از ما می زند. چهل ضربه شمریم، اما همتا که صدای ناله ای برای آن یکی از جلادان گفت که چون او در ملاقات، مقننرات زندان را نقض کرده، تعزیر شده است و اگر با رفیق دیگر تکرار شود، برخورد دیگری با او خواهد شد. از اتاق بیرون رفتند. وقتی که برگشتیم، تمام کسرتو پشتش سیاه و کبود و بعضاً خون خنده بود. دلها و چشم هایمان پراز کینه بود. اما رضی با لبخند و همیشگی اش برخاست، ما را تسلی می داد: "عیبی ندارد."

خوبی پشتگرم بودیم که رضی در میان ما است. برایش از جریان بازجویی هایم گفتم. جواب داد، برخوردی که تاکنون کرده ای، درست بوده است. این ها دره ای نیاید اعتمادا کرد. اگر با زهم جیبی را بفهمند یا حتی شناسایی ات کنند، باید متگروشی، چون در هر صورت جرمت یکی است و این قایده ای است که است که احتمال دارد، بلوف زده باشی. در بازجویی اگر "الف" را گفتی تا "ق" را هم باید بگویی. روزهای تلخ از بیست و ۲۶ رسید. رضی از پیش به ما گفته بود که حکم برای ما بر نامه ای دارنشد و قرار گذاشت که اگر برای بلول برنده، قضا میم قرار عدا می گذارم و بعد می خواهم که بر اسم بیاروند تا شما بدانید که در سلول هستم. اوضاع فوق العاده دشواری بود. با تملیات تلویزیونی نگاه های همه جها به سوی او برگشته بود که بگوید چه اتفاق افتاده است. از یاد نمی برم آن اعتماد به نفسی را که در چشم های میروانش داشت. سرانجام لب به سخن گشود. پس از کوتاهی نه چندان طولانی:

"من از قضا با خبرندارم. اما یک چیز را میدانم و آن اینست که هر کدام از شما حزب هستید و اینجا هر کس با بدخودش را نشان بدهد، که قدر او موخته است و حق قدر توان دارد. پس استوار بایستید."
گفتا تش را با اولی می بینیدم. برق چشم هایش، کمزور انتقال می بریدم. بیروبی که اجازه ندا دحتی یک نفر هم از طاق ما تسلیم دشمن شود، نیرویی که شوندا تش را تا به آخر سرفرازی نگذاشته. آرزوی من، با تملی برای سرفرازی آید، اما آرزویی که دیگر در این جمع نبود. خبرهایی که از بیابانری و مقاومت او می رسید، همچنان فولاد راده ها میان را آب می داد.

هفته بعد، تعداد زیادی از فدائیان را به سلولهای انفرادی بند ۲۵ بردند. پس از ۲۰ روز تنهایی در سلول انفرادی، مرا به بازجویی خواستند. این بار کار با دفعات گذشته کاملاً متفاوت بود. فرم مفصلی شامل ۵ صفحه از تمام اطلاعاتی که فرد می توانست داشته باشد را با دراپش رویم گذاشتند. از این فرم تنها آنچه را که مربوط به خودم بود و آنرا هم مطابق با بازجویی های گذشته نوشتم. اوج دیوانگی بازجویمان بود که فرم انترجان را به ما مضاء نکردم. رگبار فحش و تیراژه های آب نکشیده را بر سرم جاری کرد. چند لحظه بعد در زیر زمین تاریک و سیاه بودم. چراغ برنوری را در مقابل چشمانم روشن کردند. شش نفر در پشت چراغ معلوم بود. ارشد نور، چشم هایم داشتند و گور می دیدند، یکی از آنها جنگ در موها پیسم انداخته بود و آنرا می کشید و دا می زد. به چراغ نگاه کن، چشم هایت را با زنگار، با یک جور با شکستگی غیر عادی، سرم را به دیوار، اینت سرم می گویند، با قیاسی بعد به اتان دیگری منتقل شد. روی شمشیر خوابانده و طاباب با هم راه رفتی تخت و دستبایم راه جلوتخت بستند. یکی از آنها بسا خنده سوال کرد: کابل نمره چند می خواهی؟ و بر رویم تابلویی بود که ۴ نوع کابل با رنگ و کلفتی بر آن آویخته بود. درخیم ای خواندن آینه ای از قرآن، ضربه را آتاز کرد. ضربه ها با لای ۵۰ بود که برای خاموش کردن مدا میم، بتوی بی رازی سرم انداختند. شاید ضربات به مد رسیدند، بود که رحیمی آمد: - کیف کردی یا نه؟ اگر با زهم کله خری کنی، هر روز همین جا مهمات می کنم.

با صادی گرفته گفتم لایب شما ما موران سا هستند. بیرون رفت و با زهم ضربه ها آغاز شد. وقتی به هوش آمدم، با سادری با یوتین روی باهای ورم کرده ام بقیه در صفحه ۴

بیانیه مشترک احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک

در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و نیروهای مترقی ایران در برابر سرکوب و در محکوم کردن یورش رژیم خمینی به سازمان ما در تاسمان گذشته، احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک طبعی اعلامیه مشترکی همبستگی خود را با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر نیروهای ترقیخواه ایران اعلام کرده اند. متن این اعلامیه به شرح زیر است:

تلاش به منظور پایان دادن به سرکوب نیروهای مترقی ایران

به قرائت اطلاعیه، رهبران جمهوری اسلامی در ماههای اخیر فشار و سرکوب خونین علیه سازمان های مترقی ایران را که برای صلح و دموکراسی و بهروزی مردم تاسمان در تلاشند، شدت داده اند. ارگان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی چند هزار نفر از اعضا و همسران آنها را که در فعال جنبش مترقی ایران را بازداشت کرده و در زندانهای مخوف تحت شکنجه قرار داده اند. طی شش ماه از آوریل تا اکتبر سال ۱۹۸۶ تعداد تهران بیش از ۸۰۰ نفر از مبارزان بازداشت شده اند. قفسه های ماههای ژوئیه، اوت و سپتامبر ۸۶، بیش از یک هزار نفر از فدائیان خلق بازداشت شده و تحت شکنجه های شدید جسمی و روانی قرار گرفته اند. جان بسیاری از فدائیان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در زیر شکنجه های وحشتناک قرار دارند در خطر جدی است و این امر نگرانی همه آزادیخواهان را برانگیخته است.

اطلاعات رسیده حاکی از اینست که رهبران شیدا بهزادی (فدائی خلق ۳ ساله)، بهروز افشاری (از فدائیان حزب خوده ایران) محمد علی شرف الدین و عده دیگر از مبارزان و افراد وابسته به سازمان های ترقیخواه ایران در زیر شکنجه شدیدند. آنچه به شدت نگران کننده است، آنست که جمهوری اسلامی ایران تا کنون کوچکترین اطلاعیه درباره بازداشت های وسیع انجام شده، انتشار نداده است. هیچکس از محل بازداشت شدگان اطلاعی ندارد و جمهوری اسلامی زندانیان را برای دستیابی به اطلاعات و تغییر عقاید خود تحت شکنجه های سخت و طولانی قرار میدهد. ماضی اعلامیه همبستگی با مبارزان صلح دوستانه و آزادیخواهان به مردم و نیروهای ترقیخواه ایران خواهد بود. قطع شکنجه و کشتار انقلابیون و مبارزان زندانی در ایران و آزادی زندانیان سیاسی هستیم. ما خواهان آنیم که اساسی دستگیر شدگان ماههای اخیر را شکار بیاورد. دستگیر شدگان در دادگاههای علنی و قانونی محاکمه شوند، سازمانهای ضد تبلیغ بین المللی اجازه ضروری این محاکمات را اعزام و کفیل مداخله و دیدار با زندانیان را بیاورند و حکومت و سرکوب در زندانهای ایران خاتمه یابد. ما یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزان راه صلح آزادی و صلح بختی مردم ایران اعلام میکنیم و آزادی زندانیان سیاسی از شکنجه گاهای جمهوری اسلامی را خواهیم.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک
۱۴ آذرماه ۱۹۸۷

بیانیه مشترک احزاب انقلابی و ترقیخواه هند

ما احزاب سیاسی امضاکننده بیانیه زیر در هندوستان نگرانی خود را نسبت به خطری که جان زندانیان سیاسی را در ایران تهدید میکند اعلام میداریم. طبق بیانیه ای که از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافته، رهبران جمهوری اسلامی در ماههای اخیر فشار و سرکوب خونین علیه سازمانهای مترقی ایران را که برای صلح و دموکراسی و جنبش مردم مبارزه میکنند، شدت بخشیده اند. ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب جمهوری اسلامی چندین هزار تن از اعضا، هواداران و کارکنان فعال جنبش مترقی ایران را بازداشت کرده و در زندانهای قرون وسطایی تحت شکنجه قرار داده اند. تنها طی بازداشت وسیع ژوئیه، اوت و سپتامبر ۱۹۸۶، بیش از هزار نفر از فدائیان بازداشت شده و تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی قرار گرفته اند. در پی اعتصاب غذا ی زندانیان سیاسی در تهران خطر اعدام های دسته جمعی زندانیان افزایش یافته است. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران مدعا نقلی را مبنی بر دستگیر کرده اند. هیچ اطلاعیه ای از محل بازداشت دستگیر شدگان در دست نیست. ما اعدام شکنجه و دستگیری انقلابیون را محکوم میکنیم. ما خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری فدائیان اسیر و همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما قویا اقدامات وحشیانه رژیم را محکوم میکنیم و از همه مردم صلح دوست همدست تقاضا میکنیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران به ما بپیوندند.

- حزب کمونیست هندوستان - ام فارقی (دبیر - هیئت اجرائیه)
- حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
- کارکنان سینگ پورجیت (عضو هیئت سیاسی)
- حزب مردم - ام. آ. لاری (دبیر)
- جنبه بیثروی سراسری هند - دی. دی. شاستری (دبیر)
- حزب سوسیالیست انقلابی - بارنول چودری (رئیس)

درخواست

"کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی"

در روز ۲۲ ماه کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی طی بیانییه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که به دفتر این کمیسیون در یونان تقدیم شد، وضعیت دشوار زندانیان سیاسی ایران را مورد بررسی قرار داده، خواهان انجام اقدامات موثر برای متوقف کردن روند تیرگی شکنجه و اعدام در ایران شد.

بیانیه احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک، نیز امون نبرد در اردوگاه های لبنان

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک در تاریخ ۸/۱۲/۸۶ با انتشار بیانیه ای حملات سازمان اهل علیه اردوگاه های فلسطینی را محکوم نمودند. در این بیانیه آمده است: "ما شاهد شده اند در خونین در اطراف اردوگاه های فلسطینی هستیم. نبردی که اثرات منفی عمیقی بر اتحاد نیروهای ملی لبنان و فلسطینی ها برجای میگذارد. این جنگ خونریزی در خدمت اهداف توطئه آمیز استلهایی است که خواهان تقویت وضع بین دولت برادر لبنانی و فلسطینی هستند. این جنگ خلاف منافع جنبش رهایی بخش خلق های عرب و بخصوص سوریه، این انقلابیون فلسطینی و نیروهای ملی لبنان است. این خونریزیها زمینه ساز توطئه های آمریکا و اسرائیل برای تحکیم موقعیت خود در منطقه و راه گشای طرح های سازشکارانه آمریکا، اسرائیلی است. اکنون اسرائیل و عوامل آن در لبنان از جنگ خونریزی اطراف اردوگاه های فلسطینی تا حدی استفاده کرده و در چنین موقعیتی گوشه نشین حضور خود در جنوب لبنان را داداشی ساخته و دستهایی به راه ملی که وحدت و تمامیت لبنان عربی را تا بین تمام دولتیان تحت ااداره حکومتی ملی راه پیشرفت دموکراتیک را در پیش گرفته، ممانعت نمایند.

احزاب ما خواهان آتش بس فوری و قطع جنگ توسط نیروهای اهل هستند. ما می خواهیم سازمان اهل حملات به اردوگاه های فلسطینی و محاصره آنها را قطع کند و از ارباب و توطئه فلسطینیان برای محبوس ساختن آنها به ترک خانه و گناه خویش خودداری نماید. ما خواهان آنیم که با مذاکره و دستیابی به توافقنامه ملی و لبنانی - فلسطینی هر چه زودتر توافقنامه شده و به وضع سابق بازگردد. احزاب ما تاکید می کنند که گفتگوی سیاسی تنها روشی است که زمینه را برای دستیابی به یک راه حل سیاسی مورد قبول هموار می سازد و نیروهای ملی لبنانی و فلسطینی را در مبارزه مشترک علیه اشغالگر اسرائیلی متحد می نماید. احزاب ما بر حق ملت فلسطین برای زندگی آرام و بهر و در تعرض در لبنان و حقوق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود برای استقرار دولت ملی در سرزمین خویش تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین که بیگانه نشدند تاکید می کنند.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک
(شرق عربی)
۸۶/۱۲/۵

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جبهه آزادی بخش ملی بحرین

طی ملاقاتی که اخیرا بین هیات های نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جبهه آزادیبخش ملی بحرین صورت پذیرفت، طرفین در فضائی وثیقا نه و گرم بر اهداف مبارزاتی مشترک خود و خطهای ایران و بحرین در سربدار علیه امپریالیسم و ارتجاع و بغا طردمگراسی و ترقی اجتماعی و مبارزه در راه تبدیل منطقه خلیج به منطقه صلح و عاری از حضور امپریالیستها تاکید کردند. در این بیانیه هیات های نمایندگی دو سازمان مشترکا اعلامیه ای انتشار داده اند. در زیر بختی طی اولین اعلامیه درج میگردد: "طرفین ادا ما جنگ و تلافی و تدارکات رژیم ایران برای گسترش آن و تصرف خاک عراق، همچنین بمبارانهای وحشیانه شهرها و روستاهای دوکشور در کشتار هزاران انسان بیگناه توسط رژیمهای ایران و عراق و ایجاد تشنج وضعی خطرناک در منطقه را محکوم می نمایند. طرفین بر این اعتقادند که باید تلاشهای همه جا نبدا سوی نیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان برای قطع فوری جنگ و فصل اختلافات به طرق صلح امت مسزوغا دلانه، با احترام به استقلال و تمامیت ارضی دو کشور و تضمین آزادی خلقهای ایران و عراق در انتخاب نظامهای اجتماعی و سیاسی دلخواه خود سازمان نمایند. هر دو طرف ضمن تاکید بر خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خویش، به تنهایی خود را از مسئولیت زارات رها نمی بخش خلق فلسطین بغا طرداشن کشور مستقل و ایجا حکومتی ملی اعلام نمودند. همچنین گوشه درجهت ایجا دوحث در سازمان آزادیبخش فلسطین بر اساس مبنی ملی و فدا میریالیستی و تلاش برای ختبی کردن نقشه های امپریالیستی و تسلیم طلبانه را موردنظر خود نگذاشته اند.

جبهه آزادیبخش ملی بحرین و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همبستگی عمیق خود را با جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام کرده و نقشه ها و توطئه های امپریالیستها و حکومتهای پاکستان، ایران و عربستان سعودی علیه انقلاب و مردم افغانستان را محکوم می نمایند. "شرط اشغال ایران" از این روزیم خمینی برای پایان جنگ و جلوگیری از ورشکستگی می کشد تنها "مادامی" واقعی هر روزیم بیرونی یعنی جلب حمایت امپریالیسم آمریکا بپردازد و خود را در بنانه آن قرار دهد. با توجه به این واقعیت است که رفقا سی اعلام می کنند: "اگر آمریکا اما دگی داشته باشد زاری ما را بدهد و شرطی نداشته باشد، اما دگی داریم بگیریم" و عا جزانه بی نام می دهیم که حل این مسائل در دست امپریالیست! اکنون عقب زبونی را رژیم برای نزدیک و ساخت و یاخت با امپریالیسم آمریکا بشتر روشن شده است. عریبه جویی های دیویزی و زدو بندهای امریزی در عین حال که نشانگر دیویزی و نیا دی این رژیم است، حاوی تحارب بچی تیر برای توده مردم است که اکنون راه واقعی بیروزی را می بیند. کارنامه سربا فریب و تیرگی رژیم خمینی یکبار دیگر ثابت کرده هیچ نیرویی هر چه در هم در ظا هر خوش را مدافع زحمتکشان و دشمن امپریالیسم قلند دسازد، وقتی که دموکراسی و آزادی های سیاسی و بیوسژه آزادی کمونیستها را سرکوب کند، به جای طرفداری واقعی و تکیه بر زحمتکشان و بوه ویژه طبقه کارگر، سرمایه داران را مورد حمایت قرار دهد و آنها را "اسوانه انقلاب" بنامد، دفاع از نظام سرمایه داری را بر عهده گیرد و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی را بیشه سازد و بیرون بدهد "عموم" ارباب سرمایه جهانی خواهد پیوست.

شهادت شیرین فدائی... بقیه از صفحه اول
حما سه مقاومت جانانه شیدا محمول ایمان عمیق اوبه آرمان طبقه کارگر، عشق شیدا ثانی به سوسیالیسم و آگاه های این بصله مبارزه سرخاسته با دشمن بود. ترا بیطیبار زدن انقلابی در جمهوری اسلامی که علاوه بر فشار سرکوب عمومی تحت فشار مافی علیه حق موجودیت زنان قرار دادند، دشوار ترا استزدگی و مبارزه قهرمانانه شیدا بعنوان یک کمونیست بیشره ما دری دانشور و همسوزی فدائی را در سرفش بزرگی است برای همه زنان فدائی که در شرایط بیگردد سرکوب در ایران بیکار می کنند. خاطره او در سینه های مردم جاودانه می شود و یادش الهام بخش مبارزه فدائیان علیه ستم و استعمار خواهد بود. رایت سخی که با دست رفقای شیدا ما افراشته شد، امروز در دست ما است. برای ادا ما راه اوبه پیش!

هر صبح و شب به غارت توفان روندویا ز باز، آخرین شقایق این باغ نیستند.

بیمه بیکاری حق مسلم کارگران

جندی بیخ لایحه بیمه بیکاری مصوب کمیسیون کار و مراداری و استخدا می مجلس انتشار یافت. آنچه در تبلیغات رژیم بعنوان علت تصویب این لایحه ذکر می شود، "ضرورت حمایت از نیروی بیکار" است. آقای حسین کمالی نماینده مجلس و رئیس کمیسیون کار و مراداری لایحه را اینطور توضیح می دهد: "الان نیروی بیکار ما نیاز به حمایت دارد و اگر این حمایت بخوابد بعدا که شرایط اقتصادی بیهود پیدا می کند و اشتغال کامل بوجود می آید صورت گیرد، برای نیروی تولیدی وقتی ما فاقد زینت است" تدوین این لایحه با زبان مبارزه و مقاومت کارگران علیه سیاست اخراج گروهی آنان و هراس رژیم از گسترش این مبارزه است. مسئولین جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست اخراج های دسته جمعی و با خریدار بیگاری، با دو مشکل جدی روبرو بودند: اولاً - کارگران، علی رغم توهم اولیة شان نسبت به "با خریدار بیگاری تجربه ایران ناسیونال" دیگر به آسانی با این قسمل "راه حل" ها تمکین نمی کنند. ثانیاً - پرداخت غرامت با خریدار و وضعیت مالی ای که رژیم با آن دست به گردیا ن است، برای رژیم مقرون به صرفه نیست. لایحه بیمه بیکاری در راستای سیاست نوین اقتصادی رژیم تدوین شده و هدفش بافتن راه حل جدید و ظاهراً اصلاحی برای "کم کردن نان خورها" است.

مطابق این طرح، کارگر اخراجی که بول بیمه پرداخت کرده یا شدتاً مال مقرر ماهانه ایام بیکاری را دریافت می کند که میزان آن در مدت ۳ سال برای کارگر محدود و ۵۰ هزار تومان و برای کارگران متاهل تا حداکثر ۱۱۵ هزار تومان مرفند نظر از میزان سابقه کار، مهارت و تخصص و حقوق است. در سال سوم مبلغ مقرر ماهانه به ۴۰ درصد حقوق یعنی ۱۳۵۰۰۰ ازبایان ۳ سال نیز این مقرر قطع می گردد و با این ترتیب طبق نقشه رژیم و با توجه به چشم انداز این طرح، پس از ۳ سال روند اخراج و پرداخت قسطی غرامت آن بنیای می رسد.

رژیم جمهوری اسلامی بزم خود با پرداخت مقرر نا چیزی بعنوان بیمه بیکاری - آنچه تنها برای "اخراج های واحد شرایط" - راهی برای تخفیف اعتراضات ناخوشایند اخراج ارائه می کند. طبق این طرح، دیگر اعتراضات کارگر اخراجی موضوعیت ندارد. فقط در صورتیکه ثابت شود تا شش ماهه اخراجی نه "با میل و اراده خود" بلکه با اراده کارفرما صورت گرفته، آنگاه حق خواهد داشت از مقرر بیمه بیکاری استفاده کند.

علاوه بر آن این لایحه به اخراج کارگران مشروعت داده و به سرمایه داران و دولت حق می دهد که کارگر را علیرغم میل و اراده او اخراج نمایند. کارفرمایان

تنها "تعهدی" که در قبال کارگران دارند اینست که طبق این طرح موظف به پرداخت بخشی از حق بیمه بیکاری (۳۰٪ حقوق کارگران) هستند. بخش دیگر هزینه بیمه بیکاری بعهده کارگران و دولت است.

شعار بیمه بیکاری، خواست کارگران و شعار سازمان ما نیز هست، ما بیمه بیکاری را حق مسلم کارگران و جزئی از حقوق تا مین اجتماعی در راستای حق کار و امنیت شغلی می دانیم. برخلاف نظریه کمیسیون کار و مجلس ما هیچوجه اعتقاد نداریم که "شرایط اقتصادی بیهود پیدا می کند و اشتغال کامل بوجود می آید" یزیده دنبال آن بیمه بیکاری را موضوعی شایسته دست می دهد. ما اعتقاد داریم اخراج دسته جمعی و بیگاری یک پدیده عمومی در اقتصاد سرمایه دار است و تنها در اقتصاد دینار و زده و عمیقاً وابسته به سیستمی است که در قدرت مندترین مالک سرمایه داری نیز قابل علاج نبوده و نیست. فقط وقف و تسویا لایحه است که این معضل را به حدی می رسد، این رانه تنها علم بلکه واقعیت زندگی نیز اثبات کرده است. پدیده بیکاری در جامعه شوروی پیش از نیم قرن است که از زمان رقتسه و سالهای بنام پرداخت حق بیمه بیکاری اسلامی موضوعیت خود را از دست داده است اما همین امروز در کشورهای سرمایه داری، بیش از ۳۰ میلیون بیکار وجود دارد. از جمله در آمریکا که پیشرفته ترین کشور سرمایه دار است، تعداد بیکاران متجاوز از ۱۵ میلیون نفر است. بطریق اولی در ایران جمهوری اسلامی که گفتر اقتصاد و وابسته، بحرانی و جنگ زده است و بیش از ۳ میلیون بیکار زده در تنها درونش "اشتغال کامل" وجود ندارد بلکه این گره بیش از پیش کورت می شود و به تبع آن مبارزه برای حفظ امنیت شغلی و با لاقا قل تا مین حق بیمه بیکاری حدت می یابد.

حق بیمه بیکاری از جمله حقوق تثبیت شده کارگران مالک سرمایه داری است. تا کید بر این شعار می آید که برای تثبیت آن در شرایط کنونی جامعه ما در نتیجه بحران اقتصادی و سیاستهای ارتجاعی، سرکوبگران و جنگ طلبان رژیم از اهمیت بسیار برخوردار شده است. وجوه و عناصر اصلی شعار بیمه بیکاری از این قرار است:

بیمه بیکاری جزئی است از حقوق تا مین اجتماعی همانطور که برای با رشتگی و سوانح و از کار افتادگی با بیمه مقرر میباید در نظر گرفته شود، در شرایطی که دست دادن مثل تشریب با رنگی کارگران هنگام بازگشت به کار متاسفانه تا مین شود، هزینه بیمه بیکاری با بدینما ما بر عهده دولت و کارفرمایان باشد و از این با بت چیزی از دستمزد کارگران نبردا بکسر شود. بیمه بیکاری با بدینمول باید داشته باشد یعنی همه کارگران بیکار (و دیگر بیکاران) را شامل شود. دریافت حق بیمه بیکاری تا هنگام بازگشت به کار خود باید ادامه داشته باشد. علاوه بر این، همه سرمایه داران و کارگران از طریق شکل های مستقل خود باید همگامانه در کنار هم برای تثبیت و گسترش این حق اجتماعی بر بیکاری بیکاری کنترل داشته باشند. در لایحه بیمه بیکاری

محدودیت های زیادی برای تا مین بیمه بیکاری وجود دارد. بطوریکه همین مقرر نا چیز نیز تنها اعمال بخش محدودی از کارگران اخراجی و بیکار را در بر می گیرد. مشروط کردن برخورداری از بیمه بیکاری به پرداخت حداقلی عا مه پرداخت حق بیمه و نیز محدود کردن شمول بیمه شدگان به بیکاران پس از سال ۶۳ و قید و شرط های مشابه آن، بیایدنگردا منتهای محدودیت هاست. مضافاً بر اینکه لایحه بیمه بیکاری، علاوه بر حقوقی که بعنوان حق بیمه، بطور کلی از کارگران کسری کند، برای حق بیمه بیکاری نیز صندوق مجزائی با حق بیمه ای معادل ۵٪ حقوق کارگر در نظر گرفته است. حال آنکه همانطور که گفتیم حق بیمه بیکاری جزئی از حقوق تا مین اجتماعی است و تا مین هزینه آن نیز در هر حال با بدینما توسط دولت و کارفرمایان صورت گیرد.

کارگران مبارزمیباش ما باید مبارزه برای کسب و تضمین حق بیمه بیکاری را در پیوند با مبارزه برای جلوگیری از اخراج و حفظ امنیت شغلی به پیش ببرند. همانطور که در "کار شماره ۲۶ نیز تصریح کردیم، تعلق عرصه های مختلف مبارزه کارگران علیه اخراج و بیکاری از بیمه بیکاری به عرصه مهمی از مبارزه است. آنچه که در این مبارزه اکنون بیش از هر زمان دیگر باید موردتوجه قرار بگیرد اینست که مبارزه برای تثبیت حق بیمه بیکاری به عرصه مهمی از مبارزه مشترک کارگران شاغل و بیکار و به موثرترین حلقه مبارزه توده ای کارگران شاغل و بیکار تبدیل شده است. این ساله در مبارزه با اخراجی کارگران علیه سرمایه داران و دولت بخاطر تا شرفزایانده شدن در سطح سازمان کارگران بیکار و تحکیم رابطه آنها با کارگران با بدینمورد توجه اکید کارگران پیشرو و فعالیست تا مین با مقرر بگیرد.

کارگران پیشرو و فعالیست تا مین با بدینمین افشا و اهداف رژیم از طرح این لایحه، تبیین شده و کارگران را از سیاست سازمان در این زمینه آگاه کرده و مبارزه آنان برای تحقق این شعار را سازماندهی کنند. باید به توده کارگران اعم از شاغل و بیکار توضیح دهیم که حق بیمه بیکاری نه تنها حق مسلم کارگران بیکار بلکه حق همه بیکاران است. بدینسی است که این مبارزه نباید به تا مین بیمه بیکاری و دریافت مقرر محدود شود بلکه باید تا مین کسار و تضمین امنیت شغلی را نیز موردتوجه قرار دهد. باید به کارگران شاغل و بیکار توضیح دهیم که برای تضمین حق بیمه بیکاری و تا مین اشتغال قتل اخراجی باید سبیل اخراج ها را متوقف کرد و برای متوقف کردن سبیل اخراج ها نیز با بدینمورد و رژیم جنگ افروزمیست باید ضمن بسیج توده کارگران در مبارزه برای تا مین و تضمین حق بیمه بیکاری، آنان را به ایستادن در جبهه مسلم آگاه کنند که با ادا به جنگ، هیچ تضمینی برای دریافت همین حداقل مبلغ بیمه بیکاری نیز وجود ندارد. لذا باید مبارزه علیه جنگ و برای سرنگونی رژیم جنگ افروزمیست جمهوری اسلامی را گسترش دهند.

جنايات و حشيانه "امل"

زردیک به چهار ماه است که بر سر ساکنین بی پناه اردوگاه های فلسطینی در جنوب لبنان از زمین و هوا آتش گلوله می بارد. بمبارانهای وحشیانه و انتقامی اردوگاهها توسط هواپیماهای اسرائیلی و گلوله باران این اردوگاهها توسط نیروهای نظامی امل و ارتش لبنان هر روز قربانی های جدیدی میگیرد. نیروهای امل و لشکرهای او ۶ ارتش لبنان را کشته و دستهای اردوگاهها را به محاصره خود در آورده اند، از سلاحهای سنگین برای نابودی اردوگاهها و اادار ساختن آنها به ترک منطقه استفاده می کنند. محاصره دراز مدت اردوگاهها که سبب قطع ارسال غذا، خواربار، دارو و حتی آب آشامیدنی شده است، وضع وخیمی را در اردوگاهها بوجود آورده است. علاوه بر گلوله و بمب، حطی آذوقه و آب آشامیدنی و دارو نیز از مردم قربانی میگیرد. حطی بحدی است که مردم برای رفع گرسنگی به فکر خوردن گوشت مرده هستند. افتاده رفق و وضعیت رقت بار اردوگاهها چهره ضد فلسطینی و

- حواد	۲۰۴
- م - ن	۵۷۰
- مریم	۱۰۰
- آقای حدیری هدیه شما رسید.	
- رفیق مادر سکه بهار آزادی رسید.	
- رفیق بیژن	۵۰۰
- رفقای هوادار	۲۵۰۰

همایش بین المللی صلح در مسکو

در تاریخ ۲۵ بهمن هیات های نمایندگان از پیش از همه کشورهای برای بررسی امر صلح و صلح سلاجدر کردها می بزگی تحت عنوان "دورا جهان عساکر از صلح هسته ای و زنده ماندن بشریت" شرکت کردند. در این گفتار نا شخصیت های اجتماعی و متخصصین رشته های گوناگون از جمله فیزیکدانان، پزشکان، نویسندگان، هنرپیشگان و دانشمندان و علما و روحانیون مذهبی از قاره جهان شرکت داشتند. در کنفرانس، نمایندگان دارای تفکر سیاسی و دیدگاههای مختلف اجتماعی مسئله امکان پذیر بودن زندگی بودن سلاح هسته ای را از جهات گوناگون و مسئولانه مورد بحث و بررسی قرار دادند و اشتراک مساعی همگانی برای دستیابی به چنین جهانی را موردتوجه قرار دادند.

جنش عظیم صلح که همه جهان را فرا گرفت و تلافی های مسئولانه بسیاری از کشورهای مترقی جهان و جامعه کشورهای غیر متعهد، و در این آنها استکارات

آدرس: اتریش
PI-10
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی